

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۷/۰۵

گمرک جمهوری اسلامی، اولین منزل و دروازه‌ی ورودی برای خارجیهاست و در همین منزل اول، ادب و امانت و میهمان‌نوازی و حدود مسلمانی ما را می‌سنجند و امیدوارم تلاش شود تا کار، با مقررات آسان و در کمال سلامت و سهولت و اتقان و استحکام و بدون هیچ‌گونه فشار غیرقانونی و ناشی از سلیقه‌ی شخصی انجام بگیرد؛ به‌طوری که منافع ملت از این طریق مورد خطر و تهدید قرار نگیرد. گرچه امروز، تلاش و زحمت زیادی جهت گره‌گشایی مشکلات توسط دستگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد؛ ولی در شرایط فراغت از جنگ، باید گمرک ان‌شالله به بهترین شکل مطلوب ظاهر شود.

بیانات در دیدار انمهی جمعه و افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۸/۰۲

و بالاخره، خصوصیت چهارمی که ملت ایران را در چشم ملت‌ها بزرگ و چهره‌ی او را درخشان می‌کرد، این بود که ملت ما در طول دوران جنگ و انقلاب، مسائل کشور و انقلاب را بر مسائل شخصی ترجیح داد. این فداکاری‌ها و ایثارها، بسیار مهم است. من، امروز هم به آحاد ملت عزیزمان می‌گویم که مسائل کشور و انقلاب را بر مسائل و نیازهای شخصی خود ترجیح بدهند. برای انقلاب و ایران و عظمت و پیشرفت و آبادی کشور کار کنید که در این صورت، منافع همه‌ی قشرها و آحاد کشور هم تامین خواهد شد. البته، همیشه اقلیتی بودند و هستند که منافع خود را بر منافع کشور و ملت ترجیح می‌دادند و می‌دهند. اینها، کار و روششان مردود است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۶۸/۱۱/۳۰

اگر امروز در جامعه‌ی ما، کسانی به فکر سواستفاده باشند؛ به جای رفاه ملت، رفاه خودشان را در نظر بگیرند و بی‌اعتنا به منافع ملت باشند، بی‌تقوایی کرده‌اند. کسانی که در میان مردم مسوولیت‌های بزرگی بر دوش دارند، اگر وقت و عمر خودشان را در غیر راه انقلاب و مسوولیت انقلابی‌بی که بر عهده‌شان است، مصرف بکنند، بی‌تقوایی کرده‌اند.

بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی / ۱۳۶۹/۰۷/۰۴

در تمام مشکلات، همان توکل به خدا و وحدت کلمه و فداکاری و مقدم دانستن منافع کشور و ملت و انقلاب بر منافع خود و شخص و گروه و باند و نیز طرد رقیب‌بازی، عامل گشوده شدن همه‌ی گره‌هاست. این راه را امام به ما یاد داد. این راه را رزمندگان با عمل به توصیه‌ی امام عظیم‌الشان رفتند و موفق شدند. ما هم حالا باید همان راه را برویم.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۷۰/۰۲/۱۱

ذلتی که خاندان پهلوی (لعنه‌الله‌علیهم) و خاندان قاجار (لعنه‌الله‌علیهم) بر سر این مملکت آوردند و بر این ملت تحمیل کردند، ما را صد سال عقب انداختند. اگر بخواهیم این ذلت برداشته شود و این استعداد درخشان ایرانی در اختیار مصالح و منافع ایران و اسلام قرار بگیرد، آیا جز با تربیت نیروی انسانی کارآمد، امکانپذیر است؟ چه کسی این تربیت را خواهد کرد؟ این سنگ‌علی‌الظاهر تیره، یا این فلز‌علی‌الظاهر گرفته را چه کسی خواهد تراشید و صیقل خواهد داد، تا به تیغ برنده‌ی تبدیل بشود و همه کار انجام بدهد؟ معلم. این، نقش معلم است.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۰/۱۲/۱۴

ثالثاً، مبارزه‌ی با غربزدگانی بود که در همان ایام، تازه شروع به ایجاد جریان‌های فکری در داخل کشور کرده بودند و روی خودشان نام «روشنفکر» گذاشته بودند؛ از قبیل میرزا ملکم‌خان و امثال او؛ که اینها نه فقط با این حرکت خیانت‌بار ناصرالدین شاه مبارزه نکردند، بلکه همین شخص نامبرده - که او را به اصطلاح بنیانگذار و پدر روشنفکری در ایران دانسته‌اند - حتی خود دلائل انحصارات خارجی هم بود! آنهایی که دم از روشنفکری و دفاع از منافع ملت می‌زدند، آنطور برخورد کردند؛ اما روحانیت و در راس آن میرزای بزرگ، این‌گونه قاطع و کوبنده با همه‌ی اینها مبارزه کرد؛ این پرچم پرافتخاری است که میرزای شیرازی آن را بلند کرد و بعد از او این پرچم نخواهد آمد. اگرچه قبل از میرزا هم از این‌گونه فضاها بود - زمان میرزای قمی، زمان کاشغافلغوا و دیگران و دیگران، که در دفاع از منافع ملت اسلامی و اسلام و مسلمین و ورود در مسائل اجتماعی سعی وافری داشتند - لیکن نمونه‌ی کامل آن، این حرکت بود. بعد از میرزا نیز شاگردان او و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و کربلا و سامرا و قم و بقیه‌ی مراکز اسلامی، هر جا که محل حضور یک رهبر اسلامی و حضور قدرتمندانه‌ی اسلام بود، اینها حضور داشتند؛ و این یکی از عجایب تاریخ ایران است؛ و عجیب‌تر این است که این حادثه برای مردم ما شناخته شده نیست!

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۷۲/۰۱/۰۴

باز مدتی است که بوقهای تبلیغاتی صهیونیستی، در اطراف دنیا به صدا در آمده‌اند و گهگاه یک بار، موج حمله‌ی تبلیغاتی به راه می‌اندازند. مجدداً این موج تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی به وسیله‌ی تبلیغات صهیونیستی آغاز شده است. مساله این است که جمهوری اسلامی به خاطر استقلال، به خاطر زیر بار زور نرفتن، به خاطر رعایت منافع ملی و نه منافع مستکبران به خاطر ایستادگی در مقابل مطامع دشمنانی که می‌خواهند بر این کشور دست بیندازند، به خاطر برچیدن بساط کسانی که دهها سال نوکری استعمار و استکبار را در این کشور کردند، در چشم مستکبران جهان موجود منفوری است. ما این را می‌دانیم و از این بابت ناراحت هم نیستیم. هرچه جمهوری اسلامی در نظر مستکبران و جهان‌خواران و بدها و شیطانها منفور باشد، ما خوشحالتیم. روزی که آنها از ما خوششان بیاید و ما را ببسندند و از ما راضی شوند، در صحت راه و کار خود شک خواهیم کرد.

بیانات در پایگاه دریایی نوشهر / ۱۳۷۲/۰۲/۱۸

تبلیغات می‌کنند که ایران درصدد نظامیگری است. یا گاهی می‌گویند ایران منطقه را ناامن می‌کند. حرفهایی که هر انسان عاقل و اندیشمندی به آن لیخند تمسخر آمیز می‌زند. منطقه را کسانی ناامن کرده‌اند و باز هم می‌کنند که سالهای متمادی مورد حمایت همین امریکاییها و همییمانان‌شان بودند. منطقه را امریکاییها و متفقینشان ناامن کرده‌اند. ما منطقه‌ی خلیج‌فارس و خاورمیانه و همه‌ی دنیا را، امن و امان و برخوردار از صلح و دوستی ملت‌ها با یکدیگر می‌خواهیم. ما منافعی در جنگ‌افروزی نداریم. منفعت ما در آرامش است. این را خود آنها هم می‌دانند. در باطن می‌دانند، اما در تبلیغاتشان، نعل وارونه می‌زنند. پس ما طرفدار صلحیم؛ ما در فکر درآویختن با این و آن نیستیم؛ اما یک ملت زنده، باید هر لحظه بتواند از خود و منافع مشروعش دفاع کند.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان / ۱۳۷۲/۰۸/۳۰

شما به تبلیغات جهانی نگاه کنید! به تبلیغات داخل کشور هم نگاه کنید! به اظهارات افراد هم نگاه کنید! این، یک معیار است. هر گفتار و هر صدایی که سعی می‌کند پیوند بین دستگاه مرکزیت نظام جمهوری اسلامی و آحاد ملت را ضعیف کند، مال دشمن است. برو برگرد ندارد! هر دستگاه و هر صدا و هر گفتار و هر قلمی که سعی می‌کند دل‌های مردم را نسبت به حرکت مرکزیت نظام جمهوری اسلامی دچار تردید کند، مردم را متزلزل کند و در شک بیندازد، مال دشمن است. هرچند ممکن است خودش هم نداند. آن کسی که می‌نویسد، ممکن است خودش هم ملتفت نباشد چه می‌نویسد. ممکن است تحت تاثیر یک احساسات غلط آبی،

حرفی بزند یا چیزی بنویسد؛ اما در نهایت و بلاشک، به تحریک دشمن یا به سود دشمن است؛ مال دشمن است. همه‌ی قلمها و گفتارها و دستها و تلاشهایی که سعی می‌کنند این یکپارچگی و وحدت عمومی ملت را در راه دفاع از منافع جمهوری اسلامی و دفاع از منافع ملت ایران خدشه‌دار کنند، مال دشمنند. چون ما از همین طریق یکپارچگی بود که توانستیم دشمن را به زانو درآوریم. هر سخنی، هر نوشته‌ای، هر دستگاهی که کوشش کند چهره‌ی امام بزرگوار را ولو امروز که آن بزرگوار به ملکوت اعلی پیوسته است مخدوش کند؛ کارهای او را زیر سوال ببرد؛ تصمیماتی که روزی ملت ایران را به اوج اعتبار در سطح جهانی رساند امروز مورد «لبت و لعل» قرار دهد، بدانید مربوط به دشمن است. آن نفسی، آن قلبی و آن گفتاری حق است که سعی می‌کند پیوندها را میان آحاد مردم، میان مردم و دستگاه‌های اداره‌کننده کشور، میان مردم و اصول دین، میان آحاد مسوولین کشور با یکدیگر و میان ارگانها مستحکم کند.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش / ۱۳۷۲/۰۱/۲۰

شما می‌دانید که همیشه سعی قدرتهای ظالم و خودخواه و مستکبر این است که نیروهای زنده و با نشاط در جامعه را در خدمت خود بگیرند، نه در خدمت مصالح و منافع ملی. این، خاصیت استکبار است. در ایران، سلاطین و سلسله‌های پادشاهی در دوره‌های اخیر، می‌خواستند از ارتش به عنوان یک منبع قدرتمند ملی استفاده‌ی اختصاصی کنند. لذا، شما می‌دیدید و خود من هم در یکی از یادگانهای تهران، در اوایل انقلاب، دیدم شعاری که آن بالا زده بودند این بود «ارتش برای شخص شاه است، نه برای ملت و مرزها و آرمانهای ملی.» حالا نمی‌گوییم برای اسلام؛ که آنها به اسلام عقیده‌ای نداشتند. این‌قدر هم نواضع نمی‌کردند که بگویند «ارتش متعلق به آرمانهای ملی و دفاع از حدود این آرمانها و هدفهاست.» بلکه می‌گفتند که «ارتش مال ماست، برای ماست و در خدمت ماست.» این، رسم و عقیده‌ی آنها بود. اما حقیقت این است که ارتش هم مثل بقیه نهادهای ملی، به ملت متعلق است؛ مال ملت و متشکل از ملت است. آحاد ارتش، در هر روزگار، بچه‌های این کشور و مردمند. اصلا هدف از تشکیل هر ارتشی، دفاع از ملت و کشور و آرمانهاست، نه دفاع از یک شخص. اما آنها این وقاحت را می‌کردند که این‌گونه بگویند. نه فقط ببینید؛ حتی بر زبان بیاورند و آن را در شعارهایشان علنی هم بکنند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان کشور / ۱۳۷۵/۰۲/۱۲

امروز، همچنین در دانشکده‌ی علوم اطلاعاتی یا جاسوسی در سازمان سیا آمریکا هم، معلم و شاگردی هستند که مشغول درس دادن و درس خوانند. آیا آن معلم هم، همین ارزش والایی را که ما برای معلمان قائلیم، دارد؟ در آن جا، محصول تلاش و نمره آوردن شاگرد، این نیست که از منافع ملی آمریکا دفاع کند. اگر این بود، ما حرفی نداشتیم. آمریکاها بروند برای خود و منافع ملی و در چارچوب کشورشان، خود را به شکل معقولی اداره کنند؛ ما که بخیل و مانع نیستیم. اما امروز، آن آموزش و پرورش و آن تعلیم و تربیت، در خدمت سیاه‌رترین و آلوده‌ترین دستها و انسانهای سیاسی در دنیا و علیه نهضت‌های آزادیبخش و کشورهای در حال حرکت آزادیخواهانه و هر کشور استقلال طلب دیگر و نیز به نفع رژیمهای مرتجع و علیه رژیمهای مترقی به کار می‌رود. جهت کار آنها، این است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

در کشوری که مامن استکبار و پایگاه آمریکا بود، سرانوش نوکران حلقه به گوش قدرتهای جهانی بودند، ثروتش در بین خانواده‌های حاکم تقسیم می‌شد، از دین روزبه‌روز کاسته می‌شد، مردم روزبه‌روز و به زور، به بداخلاقی و فساد اخلاقی و فساد جنسی سوق داده می‌شدند، انسان بیاید و حکومتی مستقل، آزاد، شجاع و مردمی درست کند! روسا و مسوولین کشور، روسای قوا، انسانهای مومن و علمای بالله! کارکنان، نظامیان، ارتش، سپاه و نمایندگان مجلسش؛ همه مردمان مومن، متعبد، متدین و بعضی نافله‌خوان و نماز شب‌خوان هستند! این کشور در مقابل قدرتی مثل قدرت آمریکا می‌ایستد؛ نمی‌ترسد و وا همه نمی‌کند؛ منافع کشور را به بیگانگان نمی‌دهد.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۴/۰۱/۰۱

در دوران بازسازی، خطر دنباطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروتها انباشته می‌شود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروتها، دوران افزایش فعالیت‌های اقتصادی و دورانی است که اگر کسی می‌تواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدمهایی که اهل دنیا هستند، آدمهایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدمهایی که منافع شخصی خود را بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح می‌دهند، دستشان باز است، برای این‌که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافیگری و زراندوری و جمع مال و منال و سواستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدمهای ضعیف به سمت اشرافیگری و تجمل و انباشت ثروت و سواستفاده‌ی اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسوولان و هم آحاد مردم.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری / ۱۳۷۴/۰۵/۱۲

شاید در طول دوران رژیم گذشته، حتی بخشی از آنچه در این چند سال در بازسازی این کشور انجام گرفت، انجام نگرفته بود؛ چون کار را با کیفیت و کمیت - هر دو - باید دید. آنها اگر کاری هم برای کشور می‌کردند - که از لحاظ کمیت هم نسبت به آنچه در این دوره‌ی کوتاه انجام گرفته است، حقیقتاً کم است - از لحاظ کیفیت، مخدوش بود؛ زیرا در آن، استقلال این ملت ملاحظه نشده بود. اساس سیاست آن رژیم، بر وابستگی بود. چند نفر دولت‌مرد نسبتاً شجاع یک روز در زمان رضاخان پیدا شدند و یک قرار داد نفتی را نوشتند که منافع ملت ایران، تا حدودی در آن ملاحظه شده بود. به‌خاطر انگلیسیها، رضاخان با چکمه‌هایش وارد اتاق هیات دولت شد و نوشته‌های آنها - پرونده‌ی نفت - را گرفت، در آتش بخاری انداخت و جلو چشم آنها سوزاند! این، چیزی است که خود آنها نوشته‌اند. امثال تقی‌زاده و دیگران این ماجرا را نوشته‌اند.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۷۷/۰۵/۲۷

وقتی صحبت از خانواده‌های شهدا، یا صحبت از نیروهای بسیجی، یا صحبت از نیروهای مومن حزب‌الله - که متن عمومی ملت ایرانند - می‌شود، اینها چهره درهم می‌کشند. در حالی که کشور ایران را همین نیروها حفظ کردند. الان هم همین نیروها حفظ می‌کنند. الان هم در هر جبهه و در هر قسمتی، اگر خطری این کشور را تهدید کند، آن کسانی حاضرند پا در میدان بگذارند و فداکاری کنند و از خودگذشتگی نشان دهند، که روحیه ایمانی و روحیه ایثار دارند. آدمهای خودپرست منفعت‌طلبی که در همه‌ی عمرشان، به جز منافع شخصیشان چیز دیگری را نمی‌بینند، اینها که از یک کشور دفاع نمی‌کنند؛ از منافع ملت دفاع نمی‌کنند. وقت جنگ که بشود، جای اینها خالی است؛ وقت خطر که پیش آید، جای اینها خالی است؛ وقتی خطری نیست، زبان اینها دراز است: «سلفوکوم بالسنه حداد».

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۷/۰۸/۱۲

شما جوانان عزیز بدانید: در این کشوری که شما زندگی می‌کنید، امروز هیچ‌گونه تسلطی نه آمریکا و نه هیچ قدرت دیگری بر این کشور و بر سیاستهای این کشور و بر دولت این کشور ندارد. روزگاری در این کشور، سفیر آمریکا و سفیر انگلیس، هرچه می‌خواستند به روسای این کشور دیکته می‌کردند! آن روز اگر سفیر آمریکا در مهمترین مسائل جهانی و داخلی نظری داشت و آن نظر را به محمدرضا پهلوی که شاه ایران بود و یا به نخست وزیر او و یا به هر یک از وزرایش می‌گفت؛ محال بود آنها بر طبق آن نظر عمل نکنند! حتی اگر برخلاف منافع شخصی آنها هم بود، ناچار بودند عمل کنند. مدتی تلاشی می‌کردند، دست و پای می‌زدند، لیکن مجبور بودند عمل کنند. تسلط بیگانگان در این کشور این‌گونه بود.

در این کشور چند روزی مانده بود به این‌که مدت قرارداد نفت ایران و انگلیس تمام شود. چند نفر در دوره‌ی پهلوی اول نشستند قراردادی را تنظیم کردند که تا حدودی منافع ایران در آن رعایت می‌شد. رضاخان وارد جلسه‌ی هیات وزرا شد، رفت آن نوشته را از مقابل وزیر ذریب برداشت و همان‌جا جلو چشمشان داخل بخاری انداخت و سوزاند! چرا؟ چون قبلاً سفیر و فرستاده‌ی انگلیس پیش او آمده بود و یکی، دو ساعت با او جلسه‌ی خصوصی برگزار کرده بود و در آن جلسه‌ی خصوصی، آنچه باید به آن شخص بگوید، گفته بود و او هم آمد چیزی را که حتی اندکی منافع ایران را تامین می‌کرد و دشمن و بیگانه آن را تحمل نمی‌نمود، داخل بخاری انداخت و سوزاند و از بین برد! عزیزان من! تمام تاریخ دوران پهلوی در این کشور، این‌گونه گذشته است. منافع ملت، اول کار تحت‌الشعاع منافع انگلیس، بعد هم در این سی، چهل سال اخیر، تحت‌الشعاع منافع آمریکا، اگر منافع آمریکا در چیزی بود، در کاری بود، در معامله‌ای بود، محال بود که مسوولان این کشور برخلاف آن رفتار کنند؛ بر طبق نظر آنها رفتار می‌کردند. انقلاب آمد، این بساط غلط، این معادله‌ی غلط و این رابطه‌ی بسیار تحقیرآمیز و ذلت‌بار را به هم زد.

بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی / ۱۳۷۷/۱۱/۱۹

عزیزان من! داشتن وسایل مدرن و پیشرفته‌ای که به‌وسیله‌ی دیگران به یک کشور و به یک ارتش داده می‌شود و در مقابل، منابع آن کشور و آن ملت غارت می‌شود و بر کسانی که صاحبان آن منابعند، تسلط می‌یابند، ارزشی ندارد. ارزش یک ارتش و یک نیروی هوایی به این نیست که مدرنترین هواپیماها را، دیگرانی که ساخته‌اند، دیگرانی که آن را می‌شناسند، دیگرانی که آن را تعمیر می‌کنند و دیگرانی که خود را مالک آن می‌دانند، با بهای گزافی، به یک ارتش، یا به یک نیروی هوایی بدهند و در برابر آن، خود را آقا بالاسر و همه‌کاره و صاحب اختیار و کلیددار آن ارتش و آن نیروی هوایی بدانند. این هیچ اعتباری برای یک ارتش و یک نیروی هوایی محسوب نمی‌شود. اعتبار یک ارتش، به استقلال آن است؛ به متصل بودن به منافع ملت است؛ به ایستادن روی پای خود است؛ به داشتن قدرت اقدام در مقابل دشمن است؛ به سرافرازی و غرور و مناعت در مقابل بیگانگان است.

ارتشی که در راس آن کسانی قرار گیرند که مجبور باشند در مقابل بیگانه تعظیم کنند، ارتش غیور و با مناعت و بلندپروازی نیست. امروز خیلی از کشورها هستند که از لحاظ ارزیابی و تقویم موقعیت ارتششان، در آخرین ردیفهای فهرست ارتشهای دنیا قرار می‌گیرند؛ اما انبهاره‌یسان هم پر از وسایل مدرن فراوانی است! پولهای ملتشان را گرفتند و به اینها دادند، چهار نفر هم ارباب بالای سرشان گذاشتند؛ این مایه‌ی افتخار نیست و هیچ ارزشی ندارد. مایه‌ی افتخار را شما دارید؛ شما که روی پای خودتان ایستادید؛ شما که بیگانه‌ای را بر خود و در خود نمی‌پذیرید؛ شما که سعی می‌کنید با موجودی خودتان، بهترین خدمات را انجام دهید. هر کدام از شما اگر این روحیه‌ی اقتدار و مناعت و اتکا به نفس و عزت در وجودتان بیشتر باشد، ارزشتان بالاتر و فایده‌تان برای ملت بیشتر است.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه / ۱۳۷۸/۰۲/۲۰

رعایت دقیق منافع ملی و اصول قانون اساسی و پرهیز از سلطه‌ی بیگانگان در جذب منابع خارجی.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه / ۱۳۷۸/۰۲/۲۰

افزایش اقتدار دفاعی و امنیتی و انتظامی بمنظور بازدارندگی و پاسخگویی موثر به تهدیدها، و تامین منافع ملی و امنیت عمومی، و پشتیبانی از سیاست خارجی و گسترش صلح و ثبات و امنیت در منطقه با بهره‌گیری از همه‌ی امکانات.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۸/۰۸/۲۳

برای آن قدرتی که متکی به عوامل معنوی قدرت است، مساله‌ی اساسی، جهتگیری آن قدرت است. جهتگیری آن قدرت چیست؟ صلاح و فلاح انسان؛ نجات انسان از مصائب مادی و معنوی؛ نجات انسان از بی‌عدالتی؛ نجات انسان از دشمنیها و بغضا جاهلانه میان دلهای انسانها؛ نجات انسان از چنگال قدرت جمعی غافل و کور و مستی که جز منیت چیز دیگری نمی‌فهمند. گرفتاری بزرگ بشر همیشه این بوده است. بشر در بیشتر دوران عمر خود، گرفتار قدرتهایی بوده است که مست منیت و خودخواهی بوده‌اند و چیزی که برایشان اهمیت نداشته و ندارد، سرنوشت انسانهاست. شما می‌بینید در دنیا کسانی هستند که دم از این می‌زنند که ملت ما - یعنی ملت خودشان - باید تمام مسائل دنیا را در دست گیرد و اگر ملت‌های دیگر پایمال و نابود و بدبخت و فقیر شدند، بشوند! این حرفی است که در دوران استعمار، استعمارگران اروپایی می‌زدند؛ امروز هم استکبار - و به طور واضح آمریکا - بر زبان جاری می‌کند. منافع آن دولت، منافع آن کشور، منافع آن ملت اصل است و آنجایی که آن منافع تهدید شود، باید هرکسی که در مقابل آن منافع ایستاده است، سرکوب گردد؛ ولو او هم منافع‌ی دارد! بالاخره وقتی که شما در فلان نقطه‌ی دنیا حضور می‌یابید، فضای زندگی را بر دولتها و ملت‌ها و کشورها تنگ می‌کنید و منافع آنها را پایمال می‌سازید، آنها هم در مقابل منافع شما می‌ایستند. منافع شما بر منافع آن دولتها چه ترجیحی دارد؟! این منطق واضح را اصلاً نمی‌فهمند!

این کسانی که امروز دم از این معنا می‌زنند که ما به منافع ملت خودمان علاقه‌مندیم، اگر حقیقتش را دریابید و کاوش کنید، خواهید دید که این هم فریب است! آنچه برایشان مهم است، خود آنها هستند. نام ملت‌ها را می‌آورند، چون قدرتها و حکومت‌هایشان وابسته به این است؛ چون شهرتشان، عنوانشان، برخورداریشان، کامرانیشان متوقف به این است که اسم ملتشان را بیاورند! اگر می‌توانستند حقیقت را بگویند، این حقیقت از نظر آنها این است که باید خواست آنها، منیت آنها، تکبر آنها و غرور آنها ارضا شود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۹/۲۶

امریکاییها بیست سال است که مرتب علیه این ملت حرف می‌زنند، اقدام می‌کنند، کار می‌کنند؛ می‌گویند هم که ما با این نظام و با این دین و با این جهتگیری دشمنیم؛ چون منافع ما را در منطقه تهدید کرده است. منافع ما یعنی چه؟ یعنی یک روز در این کشور همه چیز دست ما بوده است؛ اما این نظام اسلامی و این جوانان مسلمان و این آخوندهای مسلمان و این بساط اسلامی آمده‌اند دست ما را از نفت و از منابع طبیعی و از ارتش و ... کوتاه کرده‌اند؛ ما به‌خاطر این مبارزه می‌کنیم. این قدر شرم هم نمی‌کنند که نگویند ما هدفمان این است که می‌خواهیم منافعمان را در ایران بازیابیم! دیگر دشمنی علیه یک ملت از این بالاتر و واضحتر؟ حالا آن آقا بردارد با یک قلم نارسای ناقص پوسیده‌ی خود بخواهد اثبات کند که نخیر؛ آمریکا دشمن ملت ایران نیست؛ دشمن منافع ملت ایران نیست؛ دشمن ما نیست؛ ما هم بایستی مثل بقیه‌ی دولتها یا عناصری در دنیا که تسلیم قدرت آمریکا شدند و عتبه‌ی آمریکا را بوسیدند، برویم در مقابلش زانو بزنیم! شما خیال می‌کنید که ملت ایران این چیزها را رها خواهد کرد؟ این فکری که امروز بر این ملت حاکم است، مگر یک فکر سطحی است؟

بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل / ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

من در مورد وحدت و یکپارچگی این یک جمله را عرض کنم؛ دوستی به من گفت بعضی از دست‌های سیاسی در کشور سعی می‌کنند میدان سیاست را هم مثل میدان ورزش به «آبی‌پوش» و «قرمزپوش» تبدیل کنند. یک عده «قرمزپوش»‌اند و یک عده «آبی‌پوش». باید هم با هم در میدان سیاست رقابت داشته باشند. من گفتم در میدان ورزش، «قرمزپوش» و «آبی‌پوش»، هر دو در تیم ملی شرکت می‌کنند. وقتی هم که «قرمزپوش» و «آبی‌پوش» در تیم ملی شرکت کردند، یکی دروازه‌بان می‌شود، یکی مدافع می‌شود، یکی مهاجم می‌شود؛ با هم همکاری می‌کنند. اگر در میدان سیاست کسانی «قرمزپوش» و کسانی «آبی‌پوش» و کسانی «سبزپوش» و کسانی «زردپوش» شدند، بشوند؛ اما آنجایی که پای تیم ملی در میان است، آنجایی که منافع ملت و مواجهه‌ی با دشمن مطرح است،

مواظب باشند اختلافات را کنار بگذارند و مثل یک تیم کار کنند. آن‌طور نباشد که در تیم ملی، آن‌جایی که منافع ملت مطرح است، به دروازه‌ی خودی گل بزنند! اگر این می‌شود، عیبی ندارد؛ نامها مختلف باشد، اما دلها یکی باشد. دلها یکی؛ بر محور دین، بر محور نظام، بر محور اسلام و بر محور منافع ملی باشد. امیدواریم که ان‌شاءالله این‌گونه باشد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم / ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

این اختلافات سیاسی و جناحی که گاهی بسیار بزرگ نشان داده می‌شود، به این بزرگی نیست؛ به این اهمیت نیست. مردم راه خودشان را می‌روند. راه مردم، راه اسلام، راه انقلاب، راه خدا و راه امام بزرگوار است. مردم با این خطکشیهای صنعتی و مصنوعی کاری ندارند. دشمن دوست می‌دارد جناحها را بیشتر به جان هم بیندازد. بنده از روی دلسوزی کامل، بارها در نماز جمعه - که مقدس‌ترین مکانهاست - و در سایر جاها، جناحهای سیاسی را دعوت کردم؛ گفتم بیاید بنشینید با هم صحبت کنید، با هم مذاکره کنید. بیاید مواردی را که بر روی آن با هم اتفاق نظر دارید، اصل قرار دهید و اختلافات را براساس اینها حل کنید. اگر بر روی اصول یافشاری کنید، موارد جزئی اختلافی و سیاسی اهمیتی هم ندارد. عده‌ای قبول کردند؛ عده‌ای لجاجت کردند و می‌کنند. این لجاجت چه معنا دارد؟! چرا باید کسانی وحدت ملت را، وحدت ملی را، امنیت ملی را، منافع ملی و مصالح این کشور را قربانی اغراض جناحی کنند؛ که اگر بدون نفوذ دشمن باشد، بسیار بد است و اگر با نفوذ دشمن باشد، چند برابر بدتر است.

بنده باز هم همه را دعوت می‌کنم به وحدت کلمه براساس اصول اساسی نظام اسلامی؛ بر اساس بینات قانون اساسی؛ بر اساس اسلام؛ براساس راه امام؛ براساس منافع مردم؛ براساس ستیزه با هر کسی که با این ملت ستیزه‌گری می‌کند. این خط روشنی است که همه‌ی خیرخواهان و دلسوزان و افراد صادق می‌توانند براساس آن جمع شوند.

بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی باران امام علی(ع) / ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

بسیج، یعنی حضور بهترین و با نشاطترین و باایمان‌ترین نیروهای عظیم ملت در میدانهای که برای منافع ملی و برای اهداف بالا، کشورشان به آنها نیاز دارد. همیشه بهترین و خالصترین و شرافتمندترین و پرافتخارترین انسانها، این خصوصیات را دارند. بسیج در یک کشور، معنایش آن زمره‌ای است که حاضرند این پرچم افتخار را بر دوش بکشند و برایش سرمایه‌گذاری کنند؛ که آسان هم نیست. خدا را شکر می‌کنیم که از روز اول انقلاب، نیروی خود جوش مردم در همه‌ی میدانها حاضر بود و امام، قدر این نیرو را دانست و آحاد ملت قدر این جریان جوشنده‌ی عظیم را در میان خودشان دانستند؛ آنهایی که خودشان حاضر نبودند، یا آمادگی نداشتند که در این میدانهای خطر وارد شوند، آن جوانان آماده و عناصر از خود گذشته را تحسین و تشویق کردند. این آن چیزی است که دستگاههای اقتدار جهانی را، دستگاههای استکبار را، آن کسانی را که می‌خواهند سرنوشت کشورها و ملتها را بناحق در دست گیرند، خشمگین می‌کند.

این‌جاست که باید راز حمله‌ی تبلیغاتی به بسیج را فهمید. چرا در تبلیغات جهانی و رادیوها به بسیج اهانت می‌شود؟ چرا کسانی که همیشه چشم به دهان بیگانگان دارند تا حرف آنها را تکرار کنند، نسبت به بسیج زبان به ناسزا می‌کشند و بسیج را که در خور تشریف و تعظیم و تحسین است، مورد اهانت و بی‌مهری قرار می‌دهند؟ چون نقش بسیج را در حفظ استقلال ملی، در حفظ غرور ملی، در حفظ افتخارات ملی، در تامین منافع ملی و بالاخره و بالاتر از همه در اعلا پرچم اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند؛ به جد با بسیج دشمنند؛ اما دشمنی آنها فایده‌ای ندارد.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

من می‌خواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجه بدهم که مواظب تئوریهای وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکیم‌آمیز غرب با کشورهای از قبیل کشور ما را ندارد، باشند. البته تحت نامهای مختلف، بسیار حرفها زده می‌شود؛ اما هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته‌ی تحکیم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. امروز در کشور ما ارزشهای غربی به صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع کشور به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب می‌شود. امروز سفره‌ای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند - بخصوص امریکاییها - جمع شده می‌بینند. این برای مراکز قدرت و تسلط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به صورت قبلی چه کار کنند؟ اوایل انقلاب ناشایسته آمدند و جنگ روبه‌رو راه انداختند؛ ولی وقتی بینی‌شان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبندگان است. لذا زبندگان می‌نشینند فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و متاسفانه عده‌ای هم در داخل همانها را رله می‌کنند! آنها حرفهایی را می‌زنند، عده‌ای هم فارسی آن را می‌گویند و شکل بومی به آن حرفها می‌دهند! باید مراقب اینها بود.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۰/۰۱/۰۱

اگر مسوولی در بخش اقتصاد تلاش کند و کارآمدی خود را نشان دهد - پول ملی را تقویت کند، تورم را مهار کند، در جامعه رونق اقتصادی به وجود آورد و طبقات محروم را از حقوقی که متعلق به آنهاست، برخوردار نماید - مردم احساس اقتدار و توانایی می‌کنند. خودشان را در آن مسوول، مشاهده و ملاحظه می‌کنند و او را مظهر خودشان به حساب می‌آورند. وقتی در عرصه بین‌المللی، مسوولان کشور، با عزت و سربلندی و استغنا در مجامع جهانی شرکت می‌کنند و حرف حق خودشان را با شجاعت بر زبان می‌آورند و در معامله و مبادله‌ی با دولتها، منافع ملی را مد نظر می‌گیرند و مصالح را ملاحظه و به نفع کشور کار می‌کنند، ملت که در جریان این کارها قرار می‌گیرد، احساس اقتدار می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از مردم گیلان / ۱۳۸۰/۰۲/۱۱

شما مردم وقتی ببینید مسوولی در مقابله‌ی با متجاوزان به حقوق شما سینه سپر می‌کند، احساس اقتدار می‌کنید. شما وقتی ببینید کسانی هستند که از منافع ملت، قدرتمندانه، با گذشت و با صرف کردن همه‌ی توان و نیروی خود دفاع می‌کنند، احساس اقتدار می‌کنید. یک ملت وقتی احساس ضعف می‌کند که ببیند مسوولانش یا نمی‌فهمند، یا دیر می‌جنبند، یا خدای نکرده به اشاره‌ی انگشت دیگران می‌جنبند! این‌جاست که این ملت احساس بی‌پناهی و ضعف می‌کند. خدا را شکر می‌کنیم که مسوولان کشور سالمند. مسوولان کشور برای انجام وظیفه، عمرشان را دارند صرف می‌کنند. این مساله‌ی بسیار مهمی است. فرق می‌کند که کسانی طبق تبلیغات رادیوهای بیگانه، برای مقاصد شخصی خودشان تلاش کنند؛ یا نه، برای خاطر خدا کار کنند. آنچه که برای یک ملت اهمیت دارد، این است که در همه‌ی رده‌ها - از بالا تا پایین - مسوولانی که انگشت آنها می‌تواند گره‌ها را باز کند، با احساس مسوولیت و با عقل و تدبیر کار کنند.

بیانات در دیدار مسئولان وزارت‌خانه‌های صنایع و بازرگانی / ۱۳۸۰/۰۴/۱۰

امیدواریم دولتی که بر سر کار خواهد آمد، با همکاری مجلس، به اقتصاد سالم کشور، اهمیت حقیقی دهد. اینها به نشست و بررسی علمی کردن و راهکارها را پیدا کردن احتیاج دارد. با گفتن نمی‌شود؛ باید اقدام و پیگیری کند و موانع تولید بهینه و تکمیل چرخه‌ی صنعتی و موانع صادرات و سرمایه‌گذاریهای داخلی کشور را بشناسد و آنها را بر طرف کند. اگر امکان جذب سرمایه‌های خارجی در کشور فراهم می‌شود، به معنای حقیقی کلمه منافع ملت و هویت ملی را در نظر بگیرد و مصالح کشور را قربانی نکند. این‌طور نباشد که یک جهت را مورد توجه قرار دهیم و جهات دیگر را فراموش کنیم. جذب سرمایه‌های خارجی باید به شکلی باشد که اقتصاد کشور از آن سود ببرد، نه زیان. ما بعضی از رشدها و شکوفاییهای بادکنکی را در برخی از کشورهای شرق آسیا دیدیم. نخست وزیر مالزی در تهران به من گفت که ما در مدت چند روز، از یک کشور ثروتمند به یک کشور فقیر تبدیل شدیم! این خوب است؟! یعنی سرنوشت اقتصاد کشور در دست یک تاجر فرنگی باشد

که اگر اراده کرد، بتواند کشوری را با میلیاردها دلار گردش سرمایه‌ای، در ظرف چند روز به خاک سیاه بنشانند و فلج کند! او وقتی این مطلب را به من می‌گفت، چهره‌اش پر از غم و افسردگی بود. ما این رشدهای بادکنکی را پیشرفت اقتصادی نمی‌دانیم. کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصاد است؛ اما نه آن گونه که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه، ما برنامه و سیاست داریم - همان‌طور که گفتیم - ما می‌توانیم، اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه‌ها، نمی‌توانیم حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش‌بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه‌های داخلی را نشناخته است؛ البته قضاوت‌های بدبینانه هم می‌شود کرد.

بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر / ۱۳۸۰/۰۵/۰۱

این نظامی که مردمی و متواضع و در خدمت اهداف مردم است، یک گناه بزرگ و نابخشودنی دارد و آن این است که تسلیم خواستهایی که تامین‌کننده منافع قدرتهای بزرگ در این منطقه است، نمی‌شود. این که می‌گویم تسلیم منافع آنها نمی‌شود، حرفی است که آنها بصراحت آن را می‌گویند. شما می‌بینید که آمریکا مثلا در خلیج فارس یا در فلان نقطه، نیرو مستقر می‌کند. اگر گفته شود چرا این کار را می‌کنی؟ می‌گوید منافع من در گرو این کار است! یعنی منافع او با چند هزار کیلومتر فاصله باید در خلیج فارس تامین شود؛ ولو منافع کشوری که در همین منطقه زندگی می‌کند، تامین نشود! اینها در هر کشوری هر اقدامی می‌کنند، به خاطر این است که آن منافع فرامرزی باید تامین شود. جرم جمهوری اسلامی این است که برخلاف همه کشورهای دنیا، زیر بار این منافع نمی‌رود و آنها را تامین نمی‌کند. می‌گویم می‌خواهم منافع خودم را تامین کنم؛ به منافع شما هم کاری ندارم. این که گفته می‌شود جمهوری اسلامی سر جنگ دارد، این‌طور نیست؛ آمریکا با ما وضع قابل جنگی ندارد؛ ما یک‌طور دیگریم، آنها یک‌طور دیگرند. ما بناک جنگیدن با آمریکا را نداشته‌ایم؛ هیچ وقت هم چنین چیزی را نگفتیم؛ ولی ما بناک تسلیم شدن نداریم و می‌گوییم با هیچ قیمتی در مقابل شما تسلیم نمی‌شویم. این جرم جمهوری اسلامی است. در زمینه مسائل گوناگون و قضیه فلسطین و غیره نیز همین‌طور است. به جرم تسلیم نشدن یک ملت در مقابل تمایل مستکبرانه قدرتهای جهانی، این ملت محکوم می‌شود که با همه ابزارها - از جمله ابزار هنری - با او به‌شدت مبارزه شود. همان‌گونه که عرض کردم، سازمان سیا بخش هنری دارد و فیلمهایی که بعد از انقلاب علیه ما و علیه شیعه و اسلام درست کردند، بسیار زیاد است. شما که یک فیلمساز و سینماگر و بازیگر سینما و تئاتر و موسیقیدان و آهنگساز ایرانی هستید و این واقعیت و مظلومیت را ادراک می‌کنید، تکلیفات چیست؟ آیا هیچ تکلیف مردمی وجود ندارد؟

متن حکم تنفیذ هشتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۸۰/۰۵/۱۱

رئیس جمهور محترم را به یاد خدا و اغتنام فرصت زودگذر و اخلاص در عمل توصیه می‌کنم؛ و قدردانی از ملت، و مراقبت از منافع ملی، و اولویت دادن به نیاز فشرهای مستضعف، و گرامی شمردن ارزشهای والای دین و انقلاب را به ایشان متذکر می‌گردم و توفیق و هدایت و کمک الهی را برای ایشان و همه مسئولان کشور مسالت می‌کنم.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح / ۱۳۸۰/۰۷/۰۲

به امریکاییها حمله شده است؛ توقع کرده‌اند که همه دنیا باید با آنها همکاری کند؛ چرا؟ چون منافع آنها ضربه دیده است. مگر شما منافع دیگران را هرگز رعایت کرده‌اید که حال توقع دارید همه، منافع شما را رعایت کنند؟! مگر در دنیا امروز، صرف داشتن توپ و تفنگ و موشک، مجوز می‌شود که دولتی اعلام کند هرچه من می‌گویم عمل شود و لاغیر؟! مگر مردم دنیا این را قبول می‌کنند؟ همین چیزهاست که آمریکا را منفور کرده است. امروز شما نگاه کنید ببینید در کدام کشورهای دنیا، مردم پرچم آمریکا را آتش می‌زنند. همه جا، ایران نیست. کنفرانسی که اخیرا در آفریقای جنوبی تشکیل شد، احساسات مردم و سازمانها و دولتهای مختلف دنیا را نشان داد. آمریکا با این زورگوییها و پرتوقعی‌ها خودش را منفور کرده است. اگر منافع آمریکا در خلیج فارس به خطر بیفتد، همه باید همراهی کنند؛ اما اگر منافع کشورهای خلیج فارس به خطر افتاد، بیفتد! این همه منافع کشورهای گوناگون - از جمله کشور ما - را پامال کرده‌اند، حال می‌گویند همه دنیا باید با ما همکاری کنند؛ چون منافع ما مورد تهاجم قرار گرفته است! این پرتوقعی است.

بیانات در دیدار مردم اصفهان / ۱۳۸۰/۰۸/۰۸

نظام اسلامی یک الگوی اسلامی را هم در دنیا مطرح کرد؛ یعنی نشان داد که بدون آمریکا می‌شود زندگی کرد؛ بدون رفتن زیر بار یک قدرت بزرگ می‌توان یک کشور بزرگ شصت و پنج میلیونی را اداره کرد و پیش برد. پس علت اصلی تهدید، هویت نظام اسلامی است. البته دلایلی وجود دارد که انگیزه دشمن برای تهدید و دشمنی کردن، به این زودپها از بین نرود و ادامه پیدا کند یا گاهی تشدید شود. یکی از آنها این است که میلیاردها دلار خرج کرده‌اند. البته دلشان نمی‌آید به خودشان بیاورند که خرجهایی که برای ضربه زدن به نظام اسلامی کرده‌اند، همه بیهوده بوده است. یک دلیل این است که امیدوارند روح دینی در جوانان ما زایل شده باشد. اگر خبرنگارشان در منطقه‌ای از شهرهای ایران چهار نفر جوان را پیدا کرد و توانست از آنها حرفهایی را ضبط کند که معنایش بی‌اعتنایی به دین باشد، این را بزرگ می‌کنند و به همه جوانان کشور تعمیم می‌دهند و خودشان را دلخوش می‌کنند و به خود امید می‌دهند که روح دینی، روح ایمان و روح پابندی به حفاظت از ایمان مذهبی در ایران ضعیف شده است؛ البته اشتباه می‌کنند. امروز اگر حادثه‌ای به وقوع بپیوندد که در آن، ملت ایران احساس خطر کند، تعداد جوانانی که فداکارانه و داوطلبانه حاضرند برای خدا، نظام اسلامی و منافع ملتشان سینه سپر کنند و جلو بروند، یقینا بیشتر از دوران جنگ تحمیلی است. جوانان ما همان شور و هیجان، همان ایمان و همان آمادگی‌ای که چشم دنیا را در دوران جنگ تحمیلی خیره کرد، امروز هم دارند.

بیانات در دیدار مردم اصفهان / ۱۳۸۰/۰۸/۰۸

ما با ملاحظه‌های همه‌ی جوانب، با مطالعه‌ی همه‌ی تجربه‌های کشور خود و کشورهای همسایه و با مشورت با صاحب‌نظران عمده و دارای رای، به این نتیجه می‌رسیم که نه فقط رابطه با آمریکا، بلکه مذاکره با دولت آمریکا امروز برخلاف مصالح ملی و منافع ملت است. این یک نظر متعصبانه نیست؛ این یک اندیشه و فکر است؛ بررسی شده و با ملاحظه‌های همه‌ی جوانب است. مذاکره با آمریکا - چه در قضایای کنونی و چه در مسائل دیگر - به معنای باز کردن باب توقعات و طلبکارهای امریکاست. کسانی که دم از مذاکره می‌زنند - که البته سو نیت ندارند، دچار غفلتند - توجه ندارند که مذاکره با آمریکا در هر یک از قضایایی که این دولت در آن برای خودش ایده و منفعتی تعریف کرده است - مثل همین قضیه افغانستان - هیچ فایده‌ای ندارد. چرا؟ چون او مستکبر است و تسلیم نمی‌شود. مذاکره‌ی آمریکا با یک دولت، به معنای این نیست که می‌خواهد نظرات آن دولت را قبول کند؛ حتی نظرات مجامع جهانی را قبول نمی‌کند! همین حالا که در آفریقا در یک کنفرانس، بحث گرم شدن زمین و مساله‌ی گازهای گلخانه‌ای در دنیا مطرح است و همه‌ی دنیا لازم دانستند در این خصوص تلاش کنند، آمریکا زیر بار نمی‌رود؛ یعنی حتی با رفقای اروپایی خودش هم کنار نمی‌آید! چند روز پیش در خبرها خواندم که رئیس جمهور پاکستان از امریکاییها درخواست می‌کند که برای حمله به افغانستان، از فلان فرودگاه استفاده نکنند؛ از بقیه فرودگاهها استفاده کنند؛ اما امریکاییها خواسته‌ی او را رد می‌کنند! یعنی به نظر مشورتی رئیس آن کشور در مورد یک فرودگاه اعتنا نمی‌کنند! کدامیک از کشورهایی که با آمریکا رابطه دارند، توانسته‌اند در یک مساله‌ی مهم، نظرشان را به آمریکا تحمیل کنند؟ بعضی از کشورهای عربی تملق آمریکا را می‌گویند؛ بعضی از آنها هرچه می‌توانند، نظرات آمریکا را در همه‌ی بخشها رعایت و به آن عمل می‌کنند؛ اما آمریکا به کدام خواسته‌ی این کشورها در مقابل رژیم صهیونیستی غاصب یا در مسائل مهم جهان عرب ترتیب اثر داده است؟ این غفلت بزرگی است که بعضی کسان دارند.

بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون / ۱۳۸۰/۰۸/۲۱

امروز وظیفه ما این است که با تدبیر و عقل، دنبال منطق حق خود حرکت کنیم و به خدا توکل نماییم و همه‌ی عواملی را که برای حفظ جهتگیری و حراست از منافع ملی لازم است، به خواست خدا در نظر بگیریم و پیش برویم. ملت به فضل پروردگار از این حرکت مسوولان کشور روزبه‌روز امیدوارتر خواهد شد. روزبه‌روز بر عمق ایمان جوانان افزوده خواهد شد. البته دشمنان، اخلاگری و مزاحمت می‌کنند و در داخل و خارج، آنچه که از دستشان برآید، می‌کنند؛ اما «للباطل جوله و للحق دوله»؛ باطل جولانی می‌کند و قابل ادامه یافتن نیست. آنچه که خواهد توانست فضای عالم آفرینش را در اختیار بگیرد، حق است و بناک عالم بر حق است. دل‌های خود را روزبه‌روز بیشتر با نور معرفت، نور علم، نور حقیقت و نور اخلاق روشن کنید و از خدا کمک بخواهید.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

امروز گرفتاریهای بزرگی در جهان اسلام وجود دارد. همه‌ی مسلمانان دنیا مسوولند. دولت‌ها، علما، روشنفکران، دانشگاهیان و هنرمندان در سرتاسر دنیا اسلام، و همه‌ی کسانی که از نفوذ کلمه برخوردارند، مسوول‌ترند. امروز بعضی از دولت‌های بزرگ، به عنوان شرور بین‌المللی، از حدود خود تجاوز کرده‌اند؛ برای پیشبرد سیاست‌های خود، از اعمال هرگونه زوری دریغ نمی‌کنند؛ علیه ملت‌هایی که می‌خواهند آزاد زندگی کنند و دست چپاولگران را از سفره‌ی گسترده‌ی منافع ملی خود قطع کنند، فشار نظامی و سیاسی و تبلیغاتی وارد می‌کنند. امروز فاجعه‌ی فلسطین در اوج زشتی و تکان‌دهندگی است. امروز مردم مظلوم فلسطین بدون این‌که هیچ جرمی داشته باشند، جز این‌که می‌خواهند در خانه و در میهن خود آزادانه زندگی کنند و تحقیر نشوند، تروریست خوانده می‌شوند؛ این یکی از ظلم‌های بزرگ تاریخی است..

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۰/۰۹/۲۵

اولین اثر اتحاد این است که انسان احساس قدرت می‌کند. اولین اثر تفرق این است که باطن انسان را تهی می‌کند؛ «و تذهب ریحکم»؛ طراوت و نشاط یک انسان و یک ملت را از آنها می‌گیرد. ما باید این درس را در درون کشور خود رعایت کنیم. همه‌ی آحاد ملت و بخصوص مسوولین کشور باید نعمت وحدت و اتفاق و همدلی را - که خدای متعال آن را به ما ارزانی داشت - برای خود حفظ کنند و آن را به خطر نیندازند. «و اذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعدا فالف بین قلوبکم فاصحتم بنعمته اخوانا». برادری، احساس همگامی و همدلی، نعمت بزرگ خداست. در داخل کشور، در صفوف مختلف مردم، در صفوف مسوولان، در جمع سیاستمداران، در میان کسانی که حرف و جایگاه آنها در نظر مردم واقعی دارد، این احساس باید احساس مسلط باشد. بر تفرق‌ها و مایه‌های تفرق غلبه کنید؛ به یکدیگر نزدیک‌تر شوید؛ موارد جزئی اختلاف را در موارد کلی وحدت و اشتراک حل و هضم کنید؛ نه این‌که آن جزئی‌ها را عمده کنید و مشترکات بزرگ را ندیده بگیرید. برادری اسلامی، علاقه‌ی به کشور، پرورش یافتن در دامان انقلاب، برخورداری از نعمت بزرگ نظام اسلامی، دلسوزی نسبت به آینده، علاقه‌مندی به مردم؛ اینها مشترکات است و باید آنها را حفظ کرد. به خاطر اختلافات جزئی نباید به اینها خدشه وارد کرد. این برای ما یک فریضه و ضرورت است. این فقط امری نیست که «بهتر است» آن را مراعات کنیم. نه، «باید» آن را مراعات کنیم؛ هرکس مراعات نکند، به منافع کشور و مردم و به سرنوشت انقلاب ضربه زده است.

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسوولان برگزارکننده مراسم دهه فجر / ۱۳۸۰/۱۱/۰۳

امروز شما ببینید از تفرق دنیا اسلام و همدل نبودن دست‌اندرکاران کشورهای اسلامی، بخشی از دنیا اسلام چه می‌کشد. امروز فلسطین با سبعانه‌ترین روشها لگدکوب می‌شود و مردم فلسطین در سخت‌ترین روزهای ممکن برای یک ملت، روزگار می‌گذرانند. با همه امکاناتی که دنیا اسلام دارد و با وجود میل و علاقه‌ای که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملاً کمکی به این قضیه نمی‌شود. این بسیار دردناک است. با نصیحت نمی‌شود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند. پنجاه سال است که این ظلم ادامه دارد و این روزها به اوج خود رسیده است. جوانها و نوجوانها و زنها و فرزندها و خانه‌ها و خانواده‌ها در کوچه‌ها و خیابانها با تانکها و اسلحه‌های مرگبار رویه‌رو شوند و بی هیچ ملاحظه‌ای این‌طور سرکوب شوند؛ اینها چیز کمی است؟! آن هم نه یک روز و پنج روز و یک ماه؛ بیش از یک سال است این وضعیت کم و بیش ادامه دارد. حج می‌تواند دنیا اسلام را متوجه مسوولیت سنگین خود کند. حج می‌تواند این معرفت را به ملت‌های اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد. بعضی خیال می‌کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست. این اشتباه بسیار بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملت‌های دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این‌گونه راحت در معرض تجاوز دشمن قرار می‌گیرد. اگر دنیا اسلام متحد بود، یک ملت این‌طور مظلوم نمی‌شد. این قضیه ممکن است برای ملت‌های مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کم‌این‌که دیدید در مواردی برای ملت‌ها پیش آمده است. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملت‌های این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل می‌کند و اجازه نمی‌دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرض کنند. پس حمایت عمومی دنیا اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیا اسلام از یک کشور مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه‌ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست.

بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی / ۱۳۸۰/۱۱/۱۸

مساله برای ابرقدرتها، سیطره بر عالم است. امروز قدرتهای بزرگ جهان، چه به خاطر انرژی - نفت و گاز - چه به خاطر بازارها، چه به خاطر فروش محصولاتشان و چه به خاطر پشتوانه‌ی سیاسی و اقتدار نظامی‌شان، ناچارند دامنه‌ی سیطره و نفوذ خود را در دنیا توسعه دهند. اگر ملت‌ها پامال می‌شوند و منافع ملی‌شان نابود می‌گردد، برای آنها هیچ اهمیتی ندارد. آنها فقط به منافع خود - که در بسیاری از موارد، نامشروع هم هست - می‌اندیشند. البته هر ملتی - از جمله، ملت‌های قدرتهای بزرگ - حق دارند به منافع خود ببینند؛ آن منافعی که به خاطر پامال کردن منافع ملت‌های دیگر، نامشروع نباشد؛ ولی آنها این حد و مرز را قائل نیستند. پرچمی که برمی‌دارند، پرچم حقوق بشر و آزادی و دموکراسی است. بر روی پرچم‌های خود، عناوین فریبنده را نقش می‌کنند؛ اما آنها، هم به مردم دنیا دروغ می‌گویند، هم به مردم خود دروغ می‌گویند. هدف آنها سیطره بر دنیاست.

بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی / ۱۳۸۰/۱۱/۱۸

آنها در دفاع از آزادی و دموکراسی دروغ می‌گویند؛ به دلیل این‌که در طول تاریخ سی، چهل سال گذشته‌ی سیطره‌ی امریکا بر بسیاری از کشورهای دنیا، همیشه پشتیبان دولت‌ها و قدرتهای مستبد - ولی مطیع آنها - بوده‌اند. در ایران هم این‌گونه بود. حکومت شاه، حکومتی مستبد و غیرانسانی بود که بومی از مفاهیم دموکراسی و امثال اینها نبرده بود؛ اما تسلیم آنها و در اختیارشان بود. نفت ایران متعلق به آنها بود؛ سیاست‌های نفتی صدرصد منطبق با اراده‌ی آنها بود؛ حضور آنها در سرتاسر مراکز قدرت در ایران، محسوس بود؛ ارتش در پنجه‌ی اقتدار آنها قرار داشت؛ منابع مالی، صدرصد مورد استفاده‌ی آنها و در اختیارشان بود؛ لذا شاه مستبد، فاسد، رشوه‌گیر و بی‌اعتنای به مصالح ملی، از نظر آنها مطلوب و مقبول بود. آنها این را می‌خواستند. آنها حکومتی را که به خاطر منافع ملی به آنها پاسخ نمی‌دهد، به خاطر شرف ملی تسلیم آنها نمی‌شود، به خاطر عزت ملی و هدف‌های ملت خود به آنها اعتنا نمی‌کند، دوست نمی‌دارند؛ بنابراین با او کینه‌ورزی می‌کنند؛ آن‌گاه خود را پشت پرچم دموکراسی و آزادی پنهان می‌سازند. این منطق در دنیا، شکست خورده است. چنین منطقی، منطقی نیست که امروز دنیا آن را بپذیرد و بپسندد و هواداران آن منطق بتوانند به توفیق خود امیدوار باشند. قدرتهای پوشالی تهی از معنویت و فکر درست و جهت‌گیرهای انسانی، اگر به بیش از اسلحه‌ای که امروز با آن مجهزند، مجهز باشند، راه به جایی نخواهند برد.

بیانات در پایان درس خارج فقه / ۱۳۸۰/۱۱/۲۱

حادثه بیست‌ودوم بهمن و پیروزی انقلاب، پایان تحقیر ملت ایران بود. ملت ایران در طول قرنهای متمادی تحقیر شده بود. یک مدت به وسیله سلاطین مستبد تحقیر می‌شد؛ یعنی در دورانهای قدیم که هنوز استعمار و سلطه و نفوذ خارجی نبود، پادشاهانی بودند؛ بعضی مقتدر، بعضی هم ضعیف و بی‌کفایت؛ اما بدون استثنا همه آنها این ملت را تحقیر می‌کردند. اگر شما به خاطراتی که بعضی از سلاطین یا فرزندان و شاهزادگان نشان نوشته‌اند، مراجعه کنید، به‌خوبی می‌بینید که تلقی آنها این بوده که ایران، ملکی متعلق به آنهاست؛ یک مشت رعیت هم در این ملک برای آنها کار می‌کنند. حقوقی داشته باشند؟ نه. اراده آنها معتبر باشد؟ نه. بنابراین تلقی آنها از ملت و کشور و خودشان، این‌قدر تلقی غلط و مفتضحی بود. واقعا تصور می‌کردند که این‌جا مال آنهاست؛ اگر کسی از احاد ملت خدمتی می‌کند و کاری انجام می‌دهد، طبق وظیفه‌اش عمل می‌کند. کسانی هم که کوتاهی می‌کنند، سرکشان‌های هستند که به منافع حاکم زورمند و مستبد ضربه وارد آورده‌اند!

در دوره دیگری هم که تقریباً بعد از مشروطیت شروع شد، این تفکر به‌کلی برنفتاد و تا آخر دوران سلطنت وجود داشت. مثلاً سلاطین پهلوی علی‌رغم این‌که ادعای مدرنیته می‌کردند و می‌خواستند خود را با مفاهیم دنیا آشنا نشان دهند، در ذهنشان جز این، چیز دیگری نبود؛ کشور را متعلق به خودشان و خود را مالک کشور و صاحب سرنوشت این ملت می‌دانستند.

در دوره اخیر، یک بخش دیگر هم اضافه شد و آن نفوذ خارجی بود؛ که این از اواخر دوره قاجار شروع شد و در دوره پهلویها به اوج خود رسید؛ زیرا رضا خان را انگلیسیها بر سر کار آوردند و مقدمات کارش را فراهم کردند؛ آنها اطراف کارش را نگه داشتند و به او دیکته کردند که چگونه حرکت کند. بعد از او هم، پسر او را باز انگلیسیها بر سر کار آوردند، که اینها جزو مسلمات تاریخ است و ادعا نیست. ما گاهی در گذشته، این چیزها را به صورت حدس و تحلیل می‌گفتیم؛ لیکن بعد اسناد و مدارک فراوانی رو شد و معلوم گردید که این افراد را به دست خودشان آورده‌اند. اینها مجری سیاستهای خارجی بودند؛ یک مدت عمدتاً مجری سیاستهای انگلیس، بعد هم پس از دوره مصدق، مجری سیاستهای آمریکا، گاهی هم ممکن بود در بعضی از قضایا، به خاطر برخی از منافع خود - نه به خاطر منافع ملت - از این‌که سیاستی را آمریکا به آنها دیکته می‌کند، در دل خود ناراحت هم باشند؛ اما بالاخره مجری سیاستهای آنها بودند؛ بروبرگرد نداشت. دولت را آنها معین می‌کردند و نخست‌وزیرها باید مورد تایید آنها قرار می‌گرفتند. آنها گاهی برای این‌که گوش شاه را مقداری بنابانند تا مبادا به فکر سرکشی بیفتند، نخست‌وزیری را که با او میانه چندانی نداشت، بر او تحمیل می‌کردند، که این مکرر اتفاق افتاد؛ یعنی شخصی را که او خیلی نمی‌پسندید، اینها می‌گفتند باید نخست‌وزیر باشد؛ او هم مجبور بود و عمل می‌کرد. مملکت، این‌گونه در اختیار بیگانه و سیاستهای آمریکایی بود. این، مخصوص سیاستهای نفتی هم نبود؛ در همه شئون مملکت، سیاستهای آنها حاکم و غالب بود و اجرا می‌شد؛ چه در مسائل نفتی، چه در زمینه مسائل صنعتی کردن کشور، چه در اداره سیاست خارجی و موضعگیری در مقابل کشورهای دنیا، اگر در داخل کشور، کسی در میان مسوولان دولتی، یک وقت به این فکر می‌افتاد که به نحوی خود را به جای دیگری هم متکی کند - مثلاً به بلوک شرق در آن روز، یا به یک قدرت دیگر - چنانچه آمریکاییها می‌فهمیدند و می‌دانستند، یا او را از قدرت خلع ید می‌کردند، یا به نحوی او را به آن مرکزی که خودشان می‌خواستند، برمی‌گرداندند. بنابراین بین قدرتها میدان رقابت بود که نفوذ کدامیک در این کشور بیشتر باشد؛ که البته قدرت مسلط، قدرت آمریکا بود. ملت در این بین، اراده و خواست و قدرتی نداشت.

پیام به مناسبت راهپیمایی ۲۲ بهمن / ۱۳۸۰/۱۱/۲۲

مسئولان کشور در قوای سه‌گانه و همه‌ی فعالان سیاسی و فرهنگی بدانند که حفظ منافع ملی در وحدت کلمه و پرهیز از تفرقه و اختلاف است. سلیقه‌ها و گرایشهای متفاوت نباید در صحنه‌ی افکار عمومی به نزاع و مجادله و کشمکش تبدیل شود و دشمن کمین گرفته را امیدوار کند. همه با هم به نیازها و خواسته‌های بحق مردم در امور اقتصادی و فرهنگی بیندیشند و برای تامین آن دست به دست یکدیگر بدهند. شجره‌ی خبیثه‌ی فساد اقتصادی را که از جمله‌ی دامهای مهلک دشمن و موجب بی‌عدالتی در اداره‌ی امور کشور و مایه‌ی ورشکستگی مادی و معنوی است خطرناک بدانند و همه با هم در ریشه‌کنی آن همکاری کنند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

الان ورد و ذکر عده‌ای مذاکره‌ی با آمریکا شده است؛ چه مذاکره‌ای؟! می‌گویند با آمریکا مذاکره کنید تا موزیگری نکند؛ فشار وارد نیارد؛ تهدید نکند و منافع ملی ما را رعایت نماید. مگر کشورهایی که امروز مورد تهدید آمریکا هستند - غیر از جمهوری اسلامی - با آمریکا مذاکره نمی‌کنند؟ مگر آنها با آمریکا رابطه ندارند؟ مذاکره و رابطه، مانع فشار آوردن و تهدید کردن و بدجنسی کردن و افزون‌طلبی نیست؛ مذاکره مشکلی را حل نمی‌کند. دولت آمریکا صریحاً با نظام اسلامی، هویت اسلامی و ایمان اسلامی مردم ما اعلام مخالفت کرده است. علتش این است که اسلام موجب شده تا این ملت در مواضع خود مستقر و ثابت باشد و پابرجا بایستد و تسلیم آنها نشود. هدف آمریکا این است که سیطره‌ی خود را که در دوران رژیم منحوس پهلوی - بخصوص در سی سال آخر آن رژیم - بر همه جای کشور گسترده بود، دوباره برقرار کند. معلوم است که ملت ایران بعد از این انقلاب عظیم، بعد از این همه فداکاری و قهرمانی و بعد از این همه شهادتها، تسلیم چنین زورگویی نخواهد شد. نخیر، مذاکره هیچ مشکلی را حل نمی‌کند.

مذاکره با آمریکا، البته برای دولت آمریکا مفید است. با مذاکره، او جای پای پیدا می‌کند تا بتواند خواسته‌های خود را بیشتر تحمیل کند و توقعات خود را انبوه‌تر بر سر این ملت و دولت بریزد. مذاکره موجب می‌شود که دولت آمریکا بتواند همین تهدیدهایی را که الان از دور می‌کند، همین توقعات بیجا و قلدرانه‌ای را که در مصاحبه‌ها و سخنرانیها می‌گوید، پشت میز مذاکره، با حجم بیشتر و با قدرت چانه‌زنی بیشتر، بر سر مسوولان کشور ما بریزد. معنای مذاکره این نیست که آمریکا حاضر باشد هویت این ملت را، نظام جمهوری اسلامی را، ایمان این مردم و مواضع آنها را به رسمیت بشناسد. آنها با این اساس مخالفند؛ آنها با حضور این مردم مومن مخالفند؛ آنها دنبال این هستند که همان روشهایی را که در دوران حکومت پهلوی اعمال می‌شد - همان فساد، همان تسلط و همان قاهریت - دوباره در این مملکت ایجاد کنند. این‌که با مذاکره حل نمی‌شود، مگر این ملت اجازه خواهد داد که مسوولی در این کشور - از رهبری گرفته تا همه‌ی مسوولان - از مواضع اسلامی و منافع اساسی سرنوشت‌سازش یک قدم عقب بنشینند؟

بیانات در دیدار جمعی از اینارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۱/۰۲/۰۱

واقعه‌ی خرمشهر از دور فقط یک حادثه‌ی تاریخی است که برای ملت ایران هیجان‌آور و افتخارآمیز است؛ ولی از نزدیک، این قضیه شبیه یک معجزه‌ی بزرگ بود. وقتی رژیم عراق با تشویق دولتهای دشمن انقلاب به مرزهای ما حمله کرد، هدفگیری دقیقی کرده بود. خرمشهر، قدم اول و بسیار موثر از این هدفگیری بود. هدف آنها به طور خلاصه این بود؛ با خود فکر کرده بودند با پیروزی انقلاب، ایران اولاً نیروی مسلحی ندارد که از مرزها دفاع کند؛ ثانیاً سامان اداری و اجتماعی درستی ندارد تا بتواند به دفاع از کشور و منافع ملی بپردازد؛ ثالثاً در دنیا انقلاب طرفداری ندارد. یک طرف آمریکا بود، دشمن بر از حقد و کینه علیه انقلاب - چون انقلاب سلطه‌ی آمریکا را بر این کشور از بین برده بود، بنابراین از غضب و کینه‌ی بر انقلاب و نظام اسلامی پر بودند - یک طرف هم شوروی سابق بود؛ آن هم با دلایل دیگری علیه انقلاب اسلامی. این دو ابرقدرت که در دهها مساله با هم اختلاف داشتند، در دشمنی با ایران با یکدیگر اتحاد کلمه داشتند و هر دو به رژیم عراق صمیمانه و با همه‌ی وجود کمک و از آن دفاع می‌کردند!

بیانات در دیدار اعضای ستادهای نمازجمعه / ۱۳۸۱/۰۵/۰۵

مسوولان دولتی باید فرصت کار را خیلی مغتنم بشمارند؛ فرصت حقیقی این است. تامین کردن کشور در مقابل تهدید آمریکا به این است که مسوولان دولتی

هرچه می‌توانند، برای مردم صادقانه کار کنند و این فرصت را مغتنم بشمارند. گاهی انسان از بعضیها می‌شنود که اسم فرصت را می‌آورند، اما مرادشان فرصت تسلیم در مقابل امریکا است: آقا! فلان فرصت را از دست دادیم! چه فرصتی؟ تسلیم شدن در مقابل زورگویی و زیاده‌طلبی یک جهان‌خوار و یک قدرت متکبر، هیچ افتخاری ندارد و هیچ وقت فرصت محسوب نمی‌شود. هر چیزی که برای این کار فرصت تلقی شود، برای منافع ملی یک تهدید است؛ فرصت نیست. یعنی فرصت کار برای مردم. فرصت، یعنی فرصت مقابله کردن با عوامل و ایادی و ابزارهای امریکا و دشمن در داخل کشور. نمونه‌ای از آن را شما ملاحظه کردید و از رسانه‌ها شنیدید؛ اینها ایادی مرموز دشمنند. این همان چیزی است که من از هفت، هشت سال قبل مرتب به مسوولان فرهنگی هشدار داده و گفته‌ام که سرانگشتان دشمن برای تسخیر فرهنگی کشور و استحاله‌ی فکری مردم تلاش می‌کنند. الان ببینید اعترافها و حقایق آشکار می‌شود.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۳/۰۱/۰۱

اکنون هم همه توجیه امریکایی‌ها برای حمله به عراق و قبل از آن به افغانستان این است که می‌خواهیم منافع ملی خود را تامین و حفظ کنیم و تهدید را از خود برطرف نماییم. این هم توجیهی باب امروز است. حالا کشور عراق کجا، امریکا کجا؟! چه تهدیدی می‌تواند برای آنها داشته باشد؟! یا منافع امریکا چه چیزی است که لازمی حفظ آنها مجوز رژیم امریکا برای حمله علیه یک کشور و ملت است؟ این سوالات، بی‌پاسخ است. تعریف امریکایی‌ها از منافع ملی خود شبیه تعریف خان‌ها و گردن‌کلفت‌های قدیم است که در بعضی از محلات و روستاها وجود داشتند. اگر دختری روستایی قالیچه‌ای قشنگ می‌بافت و چشم خان به آن می‌افتاد و از آن خوشش می‌آمد، پدر دختر باید قالیچه را تقدیمش می‌کرد. توجیه هم این بود که خان این قالیچه را لازم دارد. اگر در جایی یک شی قیمتی دیده می‌شد و وجود داشت، می‌باید به خان تقدیمش می‌کردند. این فرهنگ خانی و قلدرمآبی است. شخص می‌گوید: چون من از چیزی که شما داری خوشم آمده و آن را می‌خواهم، باید مرده یا زنده، آن را به من بدهی. تعریف منافع امریکا به وسیله خود امریکایی‌ها چنین چیزی است. آنها منافعی را برای خود تعریف می‌کنند. اگر این منافع در اختیار ملت و کشور دیگری باشد، از آنجا که امریکا زور و سلاح دارد، هرچور شده باید این منافع را برای خود تامین کند. مهم نیست که ملت آن کشور و منطقه تا چه حد دچار مشکل و دردسر شوند، چقدر عقب‌ماندگی بر آنها تحمیل و چقدر زندگی آنها لگدمال شود. این مسائل برای امریکایی‌ها اهمیتی ندارد. این تعریف امریکا از منافع ملی است.

این منطقه، یعنی منطقه‌ی عربی و بعد هم منطقه‌ی وسیع‌تر اسلامی، منطقه‌ای است که امروز و فردا از لحاظ ماده‌ی ارزشمند نفت غنی‌ست. امریکایی‌ها به این نفت احتیاج دارند. فقط هم نفت نیست؛ منابع زیرزمینی بسیاری وجود دارد، منابع دریایی هم وجود دارد. در این منطقه برای کسی که مسلط به آن باشد، راه دسترسی به همه‌ی دنیا وجود دارد. و این منابع، چیزهایی‌ست که امریکا به آنها احتیاج دارد؛ مثل همان قالیچه‌ی زیبا و قیمتی که خان به آن احتیاج داشت. پس امریکا در نظر دارد که این منافع را تامین کند.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۳/۰۱/۰۱

امروز صهیونیسم و امریکا به شدت از اسلام شما مردم وحشت دارند. دشمنی آنها با اسلام به خاطر نماز و روزه نیست، بلکه با اسلام از آن جهت دشمنند که ملت خود را با عزت، با قدرت و برخوردار از استقلال می‌کند. این موضع آنها را آزار می‌دهد. آنها ملت‌ها را توسری‌خور می‌خواهند. آنها از استقلال ملت‌ها می‌ترسند و می‌خواهند ملت‌ها به استکبار وابسته باشند. آنها می‌خواهند منافع ملت‌ها را چپاول کنند. اسلام نمی‌گذارد؛ با اسلام به این دلیل دشمنند. در غیر این صورت اگر کسانی با نام اسلام در خدمت آنها باشند و منافع خود را در خطر بینند، خیلی هم با اسلام دشمنی نمی‌کنند. آنها از اسلام می‌ترسند، چون اسلام مانع از سواستفاده‌های آنها می‌شود و جلو چپاولشان را می‌گیرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۳/۰۱/۲۳

آنچه که الان در عراق اتفاق افتاده است، در حقیقت یک قضیه نیست بلکه چهار قضیه است. امریکاییها و انگلیسیها و تبلیغاتچیهایشان می‌خواهند سرهم‌بندی کنند، این را به‌صورت یک قضیه بسیط درآورند و در افکار عمومی یک «آری» یا «نه» برای آن درست کنند، لکن بیخود تلاش می‌کنند. چهار قضیه است؛ یک قضیه نیست. همین دیروز یا پریروز بود که پیامی از «بوش» و «بلر» خطاب به مردم عراق پخش شد. البته مردم عراق برق نداشتند و بیچاره‌ها نتوانستند بگیرند. مضمون پیام این بود که ما به عراق آمدیم تا شما را آزاد کنیم! قضیه را خلاصه می‌کنند در این‌که ما آمده‌ایم شما را آزاد کنیم و از دست صدام نجات دهیم. در همین یک جمله حرف آقایان دو خبط بزرگ وجود دارد؛ یکی این است که می‌گویند ما آمدیم شما را آزاد کنیم؛ یعنی ملت عراق توانایی و قدرت و عرضی این کار را ندارد و باید ما برایشان این کار را بکنیم. این خبط بسیار بزرگی است. دوم این‌که همین حرف هم دروغ بود؛ چون برای آزادی یک ملت، آتش و بمب و موشک روی سرش نمی‌ریزند و به این بهانه که می‌خواهیم پادگان نظامی را از بین ببریم، شهرها، روستاها و مناطق تجمع را این‌طور ویران نمی‌کنند و این فجایع را - که اشاره‌ی کوتاهی خواهم کرد - پیش نمی‌آورند.

قضیه، آزاد کردن مردم عراق نیست. چهار قضیه است که باید از هم تفکیک کرد. یکی مساله‌ی سقوط صدام است. یک مزاحمت و تضاد بین منافع صدام و منافع هیات حاکمه‌ی امریکا پیش آمد که به درگیری و کشمکش انجامید. آنها قویتر بودند و صدام را ساقط کردند؛ این یک قضیه است. در مورد این قضیه، ما موضع روشنی داریم که این موضع را هم عرض خواهم کرد. موضع ما در مورد هر یک از این چهار قضیه، روشن است. قضایا را تفکیک می‌کنیم تا موضع نظام جمهوری اسلامی که برخاسته از فکر و تدبیر اسلامی و رعایت مصالح و منافع کشور است، معلوم شود. پس یکی مساله‌ی سقوط صدام است. مساله‌ی دوم که در عراق اتفاق افتاده و باز هم ادامه دارد، فجایعی است که نسبت به ملت عراق پیش آمده است. این غیر از مساله‌ی سقوط صدام است و حکم دیگری دارد. موضع ما در این مورد هم گفته خواهد شد. قضیه‌ی سوم این است که از طرف نیروهای بیگانه به یک کشور مستقل تجاوز و تعرض نظامی شده است به بهانه‌های مختلفی مثل این‌که سلاح کشتار جمعی دارند، از تروریسم حمایت می‌کنند و غیره. این بهانه‌ها را همیشه و همه‌جا می‌توان پشت بلندگوها گفت. این بهانه‌ها مجوز تهاجم نظامی به یک کشور و شکستن مرزهای آن نیست. در این مورد هم موضعمان را عرض می‌کنیم. مساله‌ی چهارم، اداره‌ی آینده‌ی عراق است که برای آن هم نقشه و طرح و برنامه و خیالهای خامی در ذهنهایشان می‌گذرانند. این هم یک مساله‌ی جداگانه است. هر کدام از این مسائل، حکمی دارد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۳/۰۱/۲۳

نمازگزاران عزیز! آنچه به شما در خطبه‌ی دوم عرض می‌کنم، این است که تقوای الهی را در همه‌ی شوون رفتار و اعمال و گفتار خود در نظر بگیرید. این را هم بدانید که مسوولان کشور در همه‌ی زمینه‌ها و در همین زمینه‌ای که بحث آن در خطبه‌ی اول گذشت، همه‌ی همتشان این است که خط اهداف اسلامی را که منطبق با مصالح مردم و منافع کشور است، با دقت تشخیص دهند و دنبال کنند. از خدای متعال می‌خواهیم که آنها را در این کار موفق کند و بتوانند در همه‌ی زمینه‌ها و صحنه‌ها آنچه را که وظیفه‌ی آنها و مطابق مصالح کشور و منافع ملت است، ان‌شاءالله پیگیری و دنبال کنند.

بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۳/۰۲/۱۴

تهدید امریکا مربوط به امروز نیست؛ چیز جدیدی هم نیست. از اول انقلاب، اینها ما را تهدید کرده‌اند. دشمنی جبهه‌ی امریکا و همپیمانانش با نظام اسلامی، چیز جدیدی نیست. خود آنها هم می‌دانند که حمله‌ی نظامی به ایران، به این ملت بزرگ، به ملتی که این همه جوان مبارز و زنده و آماده در صحنه دارد، خودکشی مهاجم است. ملت ایران می‌داند؛ خوب است دشمنان ملت ایران هم بدانند: مسوولان جمهوری اسلامی، کشور را به ورطه‌ی جنگ با هیچ کس نمی‌کشاند. ما ملت و کشورمان را در معرض جنگ قرار نمی‌دهیم و از جنگ استقبال نمی‌کنیم؛ اما هم ملت، هم مسوولان، هم دولت، هم همه‌ی احادی که در این کشور از

عبرت و جوانمردی برخوردارند، در عین این‌که به سمت جنگ نمی‌روند، اگر کسی جنگ با آنها را انتخاب کرد، با او بسیار قدرتمندانه و سرسخت برخورد خواهند کرد. البته آنها می‌دانند که جنگ با ایران، هزینه بسیار سنگینی دارد؛ می‌دانند که جنگ با ایران، جنگ با یک رژیم نیست، جنگ با یک دولت کودتایی نیست، جنگ با یک حکومت نظامی نیست، جنگ با یک ملت است؛ لذا خود آنها هم از جنگ استقبال نمی‌کنند؛ اما می‌خواهند با مطرح کردن نام جنگ و تهدید به جنگ، ملت و در درجه اول مسوولان را مرعوب و وادار کنند که در مقابل آنها تسلیم شوند؛ منافع آنها را تامین نمایند و به ملت خود خیانت کنند. این را بدانند که در میان مسوولان کشور و در قوای سه‌گانه، هیچ کس نمی‌تواند اندک انگیزه‌ای داشته باشد برای این‌که ملت ایران و مصالح او را تسلیم دشمن بیگانه کند. اگر کسی در جهت تسلیم منافع ملی و ملت ایران به دشمن حرکت کند، ملت او را با نهایت بی‌رحمی کنار خواهد زد. خدمت به ملت ایران یک افتخار است. مسوولان کشور روی دفاع از حقوق و حفظ حیثیت و آبروی این ملت و دفاع از استقلال این کشور، همداستان و همسختند. این را همه بدانند، که البته می‌دانند.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۸۲/۱۰/۱۸

البته در این قضیه زلزله - که مصیبت بزرگی برای مردم بود - برای عده‌ای از سیاست‌بازان بین‌المللی و مستکبر هم فرصت و درواقع حادثه‌ی خوشایندی فراهم شد که بتوانند کارها و اغراض سیاسی خود را دنبال کنند، که جنجال امریکاییها در این مساله از همین قبیل است. در مقابل سیل کمک‌هایی که از اطراف کشور، با این حجم انبوه و عظیم، به این مردم شد و همچنین در کنار کمک‌های بین‌المللی، کمکی هم از طرف دولت مستکبر امریکا رسید که البته برای مردم بود و مسوولان موظف بودند که همه‌ی کمکها را قبول کنند و به جای خود برسانند؛ اما این چه ربطی دارد به این‌که دشمنیهای پیوسته، لاینقطع، دائمی، عمیق و بنیانی رژیم مستکبر امریکا با ملت، کشور و منافع و مصالح ایران و نظام مورد علاقه‌ی مردم فراموش شود؟! مسوولان رژیم ایالات متحده‌ی امریکا، تاکنون به هیچ‌وجه نشان نداده‌اند که ذره‌ای از دشمنی خود را نسبت به نظام اسلامی و مردم ایران کم کرده باشند، بلکه در همین حال هم وقیحانه مردم، دولت و نظام را متهم کردند و متهم می‌کنند. دائم تهدید می‌کنند و چهره‌ی جنگی، خصمانه و خشم‌آلود به خود می‌گیرند، بعد از آن طرف هم دو کلمه حرف می‌زنند؛ پنجه‌ی چدنی خودشان را در یک دستکش حریر پنهان می‌کنند! نمی‌شود که آن دشمنیها و آن نیت شوم را ندید. البته ما اهل لجبازی نیستیم؛ اهل منطق و استدلالیم. رژیم ایالات متحده‌ی امریکا به ملت ایران سالها ظلم کرده است؛ با نظام اسلامی سالها مخالفت کرده است؛ انواع توپنه‌ها را علیه این ملت و نظام اسلامی به راه انداخته است؛ از رژیم غاصب صهیونیستی، با همه‌ی جنایاتی که این رژیم می‌کند، به‌طور دائم و متزاید دفاع کرده است؛ به ملت‌های عراق و افغانستان آن جفاها و ظلمها را کرده است و هنوز هم می‌کند؛ نیت شوم نسبت به نظام اسلامی و عقاید مردم و مصالح ما دارد و هرجا منافع کشور ما بوده، اگر توانسته دست‌اندازی کرده است که جلوش را بگیرد؛ نیت حضور قدرتمندانه در ایران و بلعیدن منابع مالی و حیاتی آن را دارد. آنچه ملت ایران را در مقابل این‌گونه ژست‌های دروغین، هشیار و خشمگین می‌کند، اینهاست. این کارها را کنار بگذارد، ما با کسی لجبازی نداریم. یک ملت را این‌طور تهدید و تحقیر کردن، مورد تهاجم سیاسی قرار دادن، سعی در تجزیه‌ی آن ملت کردن، فشارهای گوناگون اقتصادی بر آن وارد آوردن، نظام حاکم بر آن ملت و کشور را این‌طور تهدید کردن و با زبان استکبار و زورگویی و قلندری حرف زدن و بعد هم یک‌جا لیخند دروغی تحویل دادن، باعث می‌شود مردم از این حرفها بدشان بیاید و خشمگین شوند.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۸۲/۰۲/۲۷

مساله‌ی مهم دیگر، جایگاه سیاسی مجلس است. شما، نماینده و عصاره و خلاصه‌ی ملت هستید. موضعگیری شما در مسائل سیاسی و بین‌المللی، به یک معنا حاکی از موضعگیری ملت ایران است. این موضعگیری، دوگونه می‌تواند باشد؛ گاهی می‌تواند دشمن را به دخالت بیشتر امیدوار کند؛ او را نسبت به نظام اسلامی، گستاخ و طلبگار و فزون‌طلب و به زیاده‌خواهی تشویق کند؛ می‌تواند هم درست بعکس باشد؛ احساس کند که در ملت ایران و نمایندگان او، صلابت، ایستادگی، آگاهی به منافع و مصالح، ایستادگی بر سر منافع ملی و مصالح ملی، و ناسازگاری با کسانی وجود دارد که همه‌ی همتشان این است که منافع ملی را به بازیچه بگیرند و راهی برای سیطره‌ی بر این ملت پیدا کنند. امروز مشکل ما با دشمنانی که در دنیا با آنها دعوا داریم، این است؛ برادران و خواهران عزیز! یک نقطه‌ی پرفایده و پرسود در یک نقطه‌ی بسیار حساس از لحاظ سوق‌الجیشی - سیاسی و نظامی - در دنیا به نام ایران وجود داشته و سالهای متمادی در قبضه‌ی قدرتهای مستکبر بوده است - یک روز روسیه، یک روز انگلیس، یک روز هم امریکا - بعد این ملت آمده با اتکا به یک اندیشه و یک فکر و یک اراده، این کشور را از چنگال اینها خلاص کرده؛ اینها می‌خواهند دوباره سیطره پیدا کنند؛ همه‌ی دعوا بر سر این است. ما با کسی دعوا نداریم. ما به کسی که می‌خواهد دوباره بر ما سیطره پیدا کند، می‌گوییم نخیر، غلط می‌کنی؛ اجازه نمی‌دهیم. منازعه‌ی نظام اسلامی با کسانی که در پی چالش با این نظامند، سر این قضیه است؛ مشکل دیگری نیست. همه‌ی کشورهای دنیا در تعامل با هم، چالشهای قهری و طبیعی دارند - اینها که مهم نیست - آنچه مهم است، این است که ملت ایران و نظام اسلامی ایستاده است و می‌خواهد از هویت و استقلال و عزت ملی خود دفاع کند. عده‌ی می‌خواهند بر این اراده و عزم دست‌اندازی کنند؛ دعوا سر این است. مجلس در این دعوای اصولی، اساسی، تعیین کننده و سرنوشت‌ساز باید جایگاه روشنی داشته باشد؛ چون شما نماینده‌ی این ملتید. این ملت را در انتخابات می‌بینید، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها می‌بینید، در شعارها می‌بینید، در درخواستها و مطالبات می‌بینید؛ می‌بینید این ملت، کیست و چیست. مجلس باید آینه‌ی تمام‌نمای اقتدار ملی و عزت ملی و ایستادگی بر سر منافع ملی و مقابله‌ی با سلطه‌جویان و سیطره‌خواهان جهانی و بین‌المللی باشد. اینها ظرفیتهای مهمی است که مجلس دارد.

بیانات در دیدار مردم استان همدان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۵

ما روی منافع کشور و ملتیمان با هیچ کس در دنیا معامله نمی‌کنیم. دشمنان این کشور و این ملت برای این‌که برای دشمنی خودشان توجیه بتراشند، می‌گویند نظام جمهوری اسلامی منافع ما را به خطر انداخته است. امریکایی‌ها می‌گویند جمهوری اسلامی منافع ما را به خطر انداخته. ما ملت ایران در چهاردیواری کشور خودمان، هر دستی که به سمت منافع ما - چه منافع علمی، چه منافع طبیعی، چه منافع انسانی، چه منافع فناوری - به تجاوز دراز شود، بی‌درنگ آن را قطع خواهیم کرد. ما در چهاردیواری کشورمان اجازه نمی‌دهیم منافع هیچ قدرتی بر منافع ملی ما ترجیح پیدا کند و مقدم شود. و اما اگر دشمن، پررویی و تعرض و تجاوز کند، آن وقت دیگر تعرض ما به چهاردیواری کشورمان محدود نخواهد شد. اگر کسی به ملت ما تعرض و تجاوز کند، ما منافع او را در هر نقطه‌ی از دنیا که باشد، به‌خطر می‌اندازیم.

بیانات در پایگاه هوایی شهید نوزه همدان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۸

برای ما شخصیت‌هایی مثل شهید بابایی، شهید اردستانی، شهید خضرائی - که مدتی فرمانده این پایگاه هم بود - و شهدای بارز و بزرگوار دیگر در نیروهای مسلح یقیناً فراموش نشدنی هستند؛ ولی نیروهای مسلح خودشان را در آن گذشته‌ها متوقف نخواستند و نباید بکنند؛ گذشتگانی که با ایمان، آگاهی و شجاعت و فداکاری خود ما را در پیمودن این راه بسیار پرافتخار، راه عظمت اسلام و ایران، یاری کردند، برای ما درسهای فراموش‌نشده‌ی خود به یادگار گذاشته‌اند. وظیفه‌ی ما این است که از این درسها بهره بگیریم. ما باید با توجه به موقعیت خودمان، با توجه به نیازهای کشور، با توجه به تهدیدهایی که علیه ما و منافع کشور در هر دوره‌ی وجود دارد، وظیفه‌ی خودمان را تشخیص بدهیم و با تقویت روحی و جسمی، خودمان را آماده‌ی ادامه‌ی آن راه پرافتخاری بکنیم که شهدای عزیز ما به قیمت جان خودشان به روی ما گذاشتند.

بیانات در پایگاه هوایی شهید نوزه همدان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۸

ملت‌ها چه وظیفه‌ی دارند؟ ملت‌ها وظیفه دارند برای صیانت و حراست از خود و برای دفاع از کیان، عزت و هویت خود، خود را آماده نگه دارند. آن ملتی که در این راه

غفلت کند، ناپود شده است؛ آن ملتی که نتواند نیاز خود را به دفاع، به ایستادگی و به مقاومت، بهنگام بفهمد، پامال شده است. ملت ما نشان داده است که دچار چنین غفلتی نشده و نخواهد شد؛ نیروهای مسلح ما نشان داده‌اند که در میدان دفاع از منافع ملت و کشورشان لحظه‌ی دچار سستی و درنگ نخواهند شد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۸/۰۶

ملت ایران با انقلاب خودش سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی در انداخته است. روزی که دنیا دو قطبی بود و دو ابرقدرت با همدیگر آن‌طور معارضه داشتند، در مقابله‌ی با این طرح نو با هم همدست شدند. پس معلوم می‌شود که طرح نوی ملت ایران که با انقلاب اسلامی آن را به میدان آورد، چیزی است که جهت مشترک دو ابرقدرت را هدف و آماج خود قرار داده بود و آن را تهدید می‌کرد. آن جهت مشترک چیست؟ قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی. بله، ما با نظام سلطه مواجه شدیم. نظام سلطه یعنی این‌که در دنیا یک امپراتوری قدرت وجود دارد، متشکل از طرف‌های. در مقابل آنها، منابع ثروت متعلق به ملتها وجود دارد. رابطه‌ی بین این دو قطب، رابطه‌ی سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری می‌کند؛ ملتهای هم که یا خاکشان، یا آبشان، یا نفت‌شان، یا منابعشان، یا موقعیت سوق‌الجیشی‌شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعی که تامین می‌شود، تقدیم او کنند. اگر این کشورها منابع و ثروت خود را تقدیم کردند، فیها؛ مثل خیلی از کشورهای جهان سوم به اصطلاح رایج؛ یعنی کشورهای عقب‌افتاده. دولتهای سر کار بودند و منافع ملتهای خود را دودستی تقدیم می‌کردند؛ مثل کشور خود ما در دوران رژیم طاغوت؛ اینها مطیع و تسلیم بودند. تسلیم بودن معنایش این نبود که در همه‌ی امور حرف آنها را گوش می‌کردند؛ نه، در برخی از امور اختلاف‌نظر هم داشتند، اما خواسته‌ی آنها را برآورده می‌کردند. آنها می‌گفتند قرارداد نفت این‌طوری باشد، اینها قبول می‌کردند؛ در اپک این‌طوری تصمیم بگیرید، اینها می‌گفتند چشم؛ نسبت به اسرائیل و صهیونیسم این‌گونه عمل کنید، اینها می‌گفتند چشم؛ نسبت به کشورهای منطقه این‌گونه عمل کنید، اینها می‌گفتند چشم؛ موضع‌گیری‌تان در سازمان ملل این‌طوری باشد، اینها می‌گفتند چشم؛ بعد بتدریج وارد امور داخلی کشورها می‌شدند و می‌گفتند دولت این‌طوری به‌کار بگمارد، این سیاستها را اعمال کنید، چنین تغییراتی در کشور به‌وجود بیاورید، اینها هم می‌گفتند چشم.

بیانات در دیدار مردم پاکدشت / ۱۳۸۲/۱۱/۱۰

ما در همه‌ی میدان‌های بین‌المللی، با منطق و پیرو راه عقلایی - که اسلام این را به ما تعلیم داده - حرکت کرده‌ایم. منطق، تدبیر و عقل و پیگیری منافع ملی است؛ در همه‌جا این‌طور است؛ در مذاکرات هسته‌یی با اروپایی‌ها هم همین‌گونه است. آنچه مصلحت ملت است، مسوولان کشور آن را دنبال می‌کنند. در این مذاکرات، مذاکره‌کنندگان ایرانی و دولت جمهوری اسلامی جدی هستند؛ منتها طرف مقابل هم - که چند کشور اروپایی هستند - به‌طور جدی و واقعی وارد میدان مذاکره بشوند؛ ولی تا امروز متأسفانه این‌طور نبوده است. تا امروز این چند کشور اروپایی نشان نداده‌اند که حقیقتاً دنبال حل مساله‌اند. این برای استکبار جهانی مشکل است که ملت ایران توانسته باشد با اراده و توانایی‌های ذاتی خود گام بزرگی را در راه علم و فناوری بردارد؛ مثل انرژی هسته‌یی. اینها می‌خواهند انرژی کشور همیشه وابسته به نفت باشد، که نفت هم تحت‌تاثیر سیاستهای قدرتهای جهانی است. می‌خواهند ملتها را با ریسمان‌های نامرئی همیشه در مشت خودشان نگاه‌دارند؛ ملت ایران این را قبول نمی‌کند.

بیانات پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه / ۱۳۸۲/۱۲/۱۹

امروز هم مثل همیشه تاریخ، قدرتمندان برای حفظ منافع خودشان حاضرند منافع ملتها و انسانها را لگدمال کنند و نادیده بگیرند. آن چیزی که می‌تواند جلوی طمع طمعگاران را بگیرد، تسلیم شدن و گردن‌نهان نیست؛ ضعیف ماندن نمی‌تواند طرفی را که احساس قدرت بی‌مهار می‌کند، از تعرض و تعدی به او باز بدارد؛ باید قوی بود، باید عزم داشت، باید حضور داشت، باید آماده بود تا بتوان نقش اساسی مردان شجاع را در دفاع از ملتها عهده‌دار شد و از عهده‌ی آن بخوبی برآمد. امروز وظیفه‌ی نیروهای مسلح این است.

بیانات در دیدار مردم کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۱

برای ملت ما این انتخابات مهم است؛ همچنان که برای دشمنان ما هم این انتخابات مهم است. از چند ماه قبل برنامه‌های تبلیغاتی دشمنان روی انتخابات ریاست جمهوری در ۲۷ خرداد متمرکز شده. آنچه آنها درباره‌ی انتخابات می‌خواهند، درست نقطه‌ی مقابل چیزی است که منافع ملی کشور و ملت ما آن را می‌طلبد. آنها می‌خواهند انتخابات بی‌رونق باشد و مردم در انتخابات شرکت نکنند. آنها می‌خواهند انتخابات، اطمینان و اعتمادی را در مردم به‌وجود نیآورد. امروز تبلیغات تبلیغاتی‌های خارجی روی این نقطه‌ها متمرکز است؛ مردم را نسبت به انتخابات دل‌سرد، بی‌اعتماد و بی‌اعتنا کنند؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که برای ملت و کشور ما مهم است.

بیانات در دیدار مردم کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۱

آنچه آمریکا و دیگر مستکبران عالم را عصبانی می‌کند، این است که یک ملت خودش بخواهد باند و تصمیم بگیرد. آمریکا به کشور ما و مردم ما و بسیاری از ملت‌های دیگر می‌گوید شما تصمیم نگیرید تا من برای شما تصمیم بگیرم؛ شما انتخاب نکنید تا من برایتان انتخاب کنم؛ شما از منابع خود بهره‌برداری نکنید تا من بتوانم از آن بهره‌برداری کنم. حرف آمریکا این است که سلطه و دخالت و حضور و پنجه‌افکندن ما بر کشور و منابع خودتان را قبول کنید؛ اگر قبول نکنید، شما را به حمایت از تروریسم و ضدیت با حقوق بشر و چیزهای دیگر متهم می‌کنیم. ملت ما نشان داده است که در مقابل چنین زورگویی و تهدیدی، و در مقابل چهره‌ی وقیح زمامداران آمریکا مشت‌های خودش را گره می‌کند؛ می‌گوید ما با هر کس که استقلال و هویت و منافع ملی و حیثیت ما را تهدید کند، مقابله می‌کنیم و بر دهان او مشت می‌کوبیم.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۹

من دیروز برای بازدید از مجتمع مس سرچشمه به آن‌جا رفته بودم. یک روز همین مس سرچشمه را انگلیسی‌ها و بعد هم امریکایی‌ها می‌خواستند اداره کنند؛ چند سال هم کار و طراحی کردند، اما راه‌اندازی نشد. بعد وقتی انقلاب پیروز شد، مهندسان ما آمدند و آن را راه‌اندازی کردند؛ محصول به‌دست آوردند و کارهای خوبی انجام دادند؛ بعد هم طرح توسعه را خود مهندسان ما در دهه‌ی سوم - تقریباً از نزدیک سال ۸۰ تا الان - راه‌اندازی کردند و باز هم دارند آن را توسعه می‌دهند. این‌کار، جزو بهترین و تمیزترین کارهایی است که به‌وسیله‌ی دولت دارد انجام می‌گیرد. آن روز اگر خارجی‌ها سود می‌بردند، استفاده می‌کردند و یا منافع ملی پامال می‌شد، همه‌ی اینها به کنار؛ ملت ایران را تحقیر می‌کردند؛ این تحقیر از همه چیز سنگین‌تر است. ملتی بنشینند و عده‌بی از بیرون بیایند به او بگویند تو نمی‌توانی؛ برو کنار تا ما برایت درست کنیم؛ او را کنار بزنند و اجازه ندهند حتی از تجربه‌ی آنها استفاده کند؛ خودشان بیایند این منبع درونی را استخراج کنند؛ چیزی به او بدهند و لب و خلاصه‌ی سود را هم خودشان ببرند. این کار در نفت می‌شده، در مس می‌شده، در آهن می‌شده، در ساخت و سازهای گوناگون می‌شده، در سدسازی می‌شده، در سیلوسازی می‌شده، در بخش‌های دانشگاهی و علمی می‌شده.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۹

اگر کسی سر کار بیاید که مطیع و تسلیم آنها باشد - که البته ما چنین کسی را نداریم که سر کار بیاید و مطیع آنها باشد - البته آنها خوشحال خواهند شد و

حرفی هم ندارند؛ اما اگر کسی آمد که احساس کردند به انقلاب و اسلام و منافع ملی پایبند است و به مبارزه با دشمنان بین‌المللی و تسلیم نشوی در مقابل زورگویی‌های آنها معتقد است، خواهند گفت مردم‌سالاری وجود ندارد؛ اگر شخص متدین باشد، بیشتر هم خواهند گفت. آنها معتقدند که مردم‌سالاری، مردم‌سالاری سکولاریزه شده است؛ باید حتماً از دین جدا شود تا اسمش را مردم‌سالاری بگذارند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی / ۱۳۸۴/۰۲/۰۵

البته یکی از معیارها هم این است که هرچه دشمنان این ملت می‌خواهند، عکس آن باید عمل کرد. چیزی که آنها می‌خواهند، خیر ملت نیست. آنها منافع خودشان را دنبال می‌کنند. بلندگوییان استکباری دنیا که به مجلس هفتم اعتراض می‌کنند، همان کسانی هستند که مجالس صددرصد فرمایشی سلطنتی دوران شاه را قبول داشتند. الان هم نظام‌هایی را که در آنها اصلاً رای‌گیری به معنای درست کلمه وجود ندارد، قبول دارند؛ اما به این مجلس اعتراض می‌کنند! چرا؟ چون آن، منافعی را تأمین می‌کند؛ اما این، منافعی را تأمین نمی‌کند. آنها دنبال منافع خودشان هستند. اگر جهتی را نشان دادند و به جایی تمایلی داشتند، معلوم است که منافع آنها در آن است؛ که درست نقطه‌ی مقابل منافع ملت و نظام جمهوری اسلامی است و باید با آن مخالفت کرد؛ همان معیاری که امام (رضوان‌الله‌علیه) به ما گفتند.

پیام به مناسبت حضور پر شور ملت ایران در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری / ۱۳۸۴/۰۲/۰۲

قلم ناتوان این‌جانب قادر نیست همت بلند و انگیزه‌ی عمیق و بصیرت نافذ و شور مخلصانه‌ی شما را توصیف کند. شما در دو جمع‌هی پی در پی با اقدامی پرمعنا و پیامی رسا، بار دیگر عظمت خود را به جهانیان نشان دادید و قدرت خود را به رخ بدخواهان و دشمنان کینه‌توز کشیدید. شما عزم راسخ خود را بر دفاع از استقلال ملی فریاد زدید. شما پایبندی خود را به حراست شجاعانه از منافع کشور و نظام جمهوری اسلامی که تأمین‌کننده‌ی همه‌ی آرمانهای اسلامی و انقلابی است، در عمل ثابت کردید. شما نمایش باشکوهی از همبستگی ملی و مشارکت عمومی در برابر چشم دوست و دشمن قرار دادید و راز استحکام و اقتدار خود در رویارویی با زیاده‌خواهیهای استکباری را مجسم ساختید. اینک دشمن شما علیرغم یاه‌گوئیهای خود، در برابر عظمت و شفافیت مردم‌سالاری شما، در دل خود تحقیر می‌شود و امت بزرگ اسلامی گسترده در سراسر جهان، از ظرفیت و توانایی نظام اسلامی که مظهر هویت جمعی مسلمانان است به خود می‌بالد.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری / ۱۳۸۴/۰۵/۱۲

انتخابات نهم هم مثل انتخابات‌های قبل، بحمدالله پرشور و سالم و افتخارآمیز برگزار شد. البته دشمنان ملت ما - که باید گفت دشمنان اسلام - حاضر نیستند به وجود این مردم‌سالاری سالم اعتراف کنند. هرچه توانستند، تلاش کردند شاید انتخابات را بی‌رونی کنند. تبلیغاتچی‌های وابسته‌ی به مراکز قدرت، از مدتها پیش از انتخابات، با لحن‌های گوناگون، فضا را از هیاهوی مخالفت با انتخابات پر کردند؛ سعی می‌کردند مردم را ناامید کنند؛ مردم را از حضور در این میدان شرف و افتخار منصرف کنند. آخرین آنها حرکت گستاخانه و البته ابلهانه‌ی رئیس جمهور امریکا بود که روز قبل از انتخابات به مردم ما صریحاً توصیه کرد که در انتخابات شرکت نکنند! ملت ما استقلال خود، هوشمندی خود، شجاعت خود، دلسوزی و پایبندی خود به منافع ملی را در این نوبت هم مثل نوبت‌های دیگر نشان داد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۴/۰۶/۱۱

واقعیت دیگر این است که دنیای غرب با همه‌ی توان خود نتوانسته است بر بیداری اسلامی فائق بیاید. در مناطق گوناگون اسلامی این همه علیه اسلام، علیه جمهوری اسلامی، علیه رهبران و مصلحان بزرگ اسلامی و علیه احکام اسلام تبلیغات کردند؛ این همه مزدور درست کردند برای دشنام دادن به اسلام و متهم کردن اسلام و احکام اسلامی؛ از حربی نظامی استفاده کردند، از حربی اقتصادی استفاده کردند، از حربی تبلیغات وسیع رسانه‌یی به شکل عجیب و شگفت‌آوری استفاده کردند؛ اما تاکنون پیش نرفته‌اند. بیشترین گرایش جوانهای مسلمان در کشورهای اسلامی به اسلام و تفکر اسلامی است. این شور و عشق، روزبه‌روز در دل ملت‌های مسلمان بیشتر می‌شود.

آنچه بر این واقعیت‌ها مرتب می‌شود، این است که دنیای اسلامی باید قدر این واقعیت را بشناسد. امروز تنها راهی که دنیای اسلام برای حفظ منافع ملت‌های اسلامی دارد، اتحاد کلمه بر محور اسلام است؛ «نه» گفتن به اهداف و مطامع استعماری دشمنان و مستکبران است. هدف استکبار، محو هویت ملی و دینی در دنیای اسلام و بخصوص در خاورمیانه است. مقابله با این هدف، با اتحاد بیشتر، با همبستگی بیشتر، با تمسک به اسلام، با ترویج اسلام و با ایستادن در مقابل زیاده‌خواهی‌های امریکا و مستکبران عملی است، و لاغیر. امروز امریکا در همه‌ی دنیا یک چهره‌ی ناموجه و لکه‌دار است. امروز امریکایی‌ها با اعمال خودشان همه‌ی شعارهای خود را زیر پایشان له کرده‌اند. امروز فشار امریکایی‌ها بر ملت عراق، نامنی موجود در عراق، حمایت بی‌قید و شرط آنها از صهیونیست‌های قاتل و خونریز، فجایعی که در افغانستان به راه انداختند، فشاری که بر دولت‌های اسلامی می‌آورند؛ همه‌ی اینها امروز یک چهره‌ی کره و منفور از امریکا در دنیای اسلام به وجود آورده است. امروز دنیای اسلام می‌تواند در مقابل این قدرت افزون‌خواه بایستد، و باید بایستد؛ هیچ چاره‌یی جز این ندارد.

دولت‌های اسلامی برای حفظ منافع ملی خودشان، برای جلب عواطف ملت‌های خودشان، برای ادای مسوولیت تاریخی خودشان، باید روی نقاط اساسی هویت امت اسلامی تکیه کنند؛ از ملت فلسطین باید صریحاً دفاع کنند؛ از استقلال کامل عراق و سپردن اختیار به ملت عراق باید دفاع کنند؛ از ملت افغانستان باید دفاع کنند؛ از ملت‌های مسلمان در اروپا و آسیا و آفریقا باید دفاع کنند؛ از هویت قرآنی و از احکام قرآن در کشورهایشان باید دفاع کنند؛ ارتباطاتشان را با همدیگر نزدیک و صمیمی کنند؛ با هم صادق باشند؛ به هم کمک کنند و دست یکدیگر را بگیرند؛ آن وقت امت اسلامی خواهد توانست خود را از زیر یوغ استکبار نجات دهد و تهدیدهایی را که امروز دنیای استکبار نسبت به دنیای اسلام دارد، از سر بگذراند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۴/۰۸/۰۸

هر چه از دشمن و توطئه‌های دشمن غفلت کرده‌ایم، بایستی از آن استغفار و توبه کنیم. این توبه به معنای توجه دادن خود، تنبه دادن به خود به معنای آگاهی و هشیاری و باز شدن چشم ماست. مدتی این جنجال را راه انداختند که شما از دشمن، زیاد اسم می‌آورید؛ توهم توطئه دارید؛ خیال می‌کنید علیه شما توطئه است. با غفلت از توطئه، مگر توطئه از بین می‌رود؟ امروز دیگر همه چیز آشکار و ظاهر شده است. آن روزی که این حرف‌ها زده می‌شد، شاید هنوز برخی از حرف‌ها علنی نشده بود؛ اما امروز به طور علنی می‌کنند که علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه قانون اساسی ما، علیه ملت ما و علیه منافع ما توطئه وجود دارد. با غفلت از توطئه نمی‌توان از توطئه جان سالم به در برد. باید هوشمندانه و آگاهانه با دشمنی‌ها و توطئه‌ها آشنا شد و در مقابل آن هوشمندانه و آگاهانه و مدبرانه از خود و از منافع ملی خود و از هویت خود دفاع کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۴/۰۸/۱۲

سیزدهم آبان، روز نماد مظلومیت ملت ایران است. ملت ایران در سیزدهم آبان مظلومیت خود را فریاد کرد. اسنادی که از لانه‌ی جاسوسی بیرون آمد و در حدود صد جلد حقایقی آشکار شد - که موجود است و چاپ شده و در دسترس همه است - نشان می‌داد که دولت امریکا علیه ملت ایران و منافع ملت ایران - بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - لحظه‌یی را فروگذار نکرده است. منتها این ملت بزرگ از آن مظلوم‌هایی نیست که تن به ظلم بدهد؛ مظلوم است، اما در مقابل ظلم می‌ایستد و آن را تحمل نمی‌کند.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

همه‌ی این تشنجه‌ها، درگیریها و چالش‌هایی که شما در دوران حکومت فاجاریه از زمان تنباکو تا دوران رضا خان و تا بعد از آن می‌بینید که بین جبهه‌های از مومنین به رهبری علما از یک طرف و حکام جائر از یک طرف انجام گرفت، نشئت گرفته از این قضیه است. در قضیه امتیاز «رژی»، میرزای شیرازی در مقابل دادن امتیاز مفت و مجانی یک منبع درآمد بزرگ در کشور به غریبه‌ها و خارجیها، مخالفت کرد. در قضیه امتیاز «رویترا» همین‌طور، و در قضیه قرارداد ۹۹ - قرارداد معروف به «قرارداد وثوق الدوله» که در واقع طبق آن، همه‌ی کشور را به دست انگلیسها می‌دادند - هم همین‌طور بود، که مدرس، آن روحانی برجسته، مخالفت کرد. در قضیه ملی شدن صنعت نفت هم که مرحوم آقای کاشانی (رضوان الله علیه) دخالت کرد، همین‌طور بود. این چالش‌هایی که علما با حکام دورانهای مختلف داشتند - که مردم و بسیاری از روشنفکرها هم با اینها همراهی کردند - همه در این مرز است؛ مرز منافع ملی، و آن طرف هم که تحول ناشی از اراده و تصمیم‌گیری قدرتهای بیگانه است. پس نسخه‌های پیشرفت و نسخه‌های غربی و بیگانه، بعضا حتی خائنانه است.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

در حالی که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی صد سال - تقریباً - علیه اسلام و علیه روحانیت تبلیغ کردند و تلاش کردند و در حالی که پنجاه سال یک رژیم وابسته‌ای در این کشور منافع ملت ایران را در مقابل دشمنان و بیگانگان قربانی کرد و کشور را به طور کامل وابسته‌ی به اجانب قرار داد - رژیم پهلوی - امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه‌گرایی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند. انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

یک نکته‌ی اساسی دیگر در وصیتنامه و در بیانات امام، مسئله‌ی مواجهه با زورگویان عالم است. قدرتهای سلطه‌گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده‌اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه‌گری برای آنها آسانتر شده است. لذا می‌بینید آمریکائیا نسبت به همه‌ی جهان ابراز طمع‌ورزی میکنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد میشوند. گویا منافع آنها بر منافع همه‌ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملت‌ها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگویی و گردن‌کلفتی و حرف‌نشنوی و حق‌ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: یک برخورد، تسلیم است؛ یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی تشویق میکند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگوییهای استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگویی بیشتر است. برای ملت‌ها یک راه حقیقی بیشتر باقی نماند و آن مقاومت است. اگر یک ملتی میخواهد شر زورگویی زورگویان - و امروز شر آمریکا - را از سر خود کم کند، باید در مقابل زورگویی آمریکا با قدرت و صلابت تمام بایستد.

امروز شما نگاه کنید به رفتار زمامداران آمریکا - رئیس‌جمهور و تیم دور و ورش - ببینید چه جوری حرف می‌زنند. حرف زدن آنها مثل حرف زدن آدم‌های روانی است؛ گاهی تهدید میکنند، گاهی دستور ترور میدهند، گاهی تهمت می‌زنند، گاهی از روی استیصال درخواست کمک میکنند، گاهی ثبات و امنیت یک ملت را آماج خودشان قرار میدهند؛ مثل دیوانه‌ها به این طرف و آن طرف می‌زنند. رفتار آنها، رفتار سیاستمداران منطقی و عاقل و باتدبیر نیست. البته بخش مهمی از این، انعکاس ناکامیهای آمریکا در مناطق مختلف است؛ ناکامی در افغانستان، ناکامی در عراق؛ اینها با وعده‌ی دموکراسی و آزادی و حقوق بشر وارد افغانستان و عراق شدند. امروز بعد از گذشت چند سال، وضعیت این دو کشور جوری است که هیچ ملتی آرزو نمیکند چنین وضعیتی داشته باشد؛ ناامنی، عقب‌افتادگی، فقر، تسلط روزافزون قدرتهای استکباری، پنجه انداختن به منافع ملی آن کشورها و نادیده گرفتن حقوق آن ملت‌ها و البته پشت سرش ناکامی کامل در تامین مقاصد که اعلام کرده بودند یا مقاصدی که در دل داشتند و اعلام نکرده بودند. این ناکامیها در رفتار سیاستمداران آمریکا منعکس است؛ در اختلافاتشان، در بگومگوهایشان، در تصمیم‌گیریهایشان. این وضع زورگویان عالم است. خوب، در مقابل این زورگویی چه باید کرد؟ توصیه امام، ایستادگی است. امروز خوشبختانه، مجموعه‌های گوناگون سیاسی کشور ما از وفاداری به خط امام دم می‌زنند؛ این یک پدیده‌ی مبارکی است. در برخی از دوره‌های گذشته اینجور نبود. بعضی از جریانهای سیاسی از رویگردانی از خط امام صریحاً سخن میگفتند! امروز خوشبختانه مجموعه‌های سیاسی در کشور ما، همه از گرایش به افکار امام و خط امام حرف می‌زنند. خیلی خوب، یکی از برجسته‌ترین نقاط خط امام که در وصیت‌نامه و در همه‌ی بیانات امام منعکس است، لزوم ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزان و مستکبران است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۷/۰۶/۲۹

دشمن، دشمن است. از دشمنانی که از اسلام ضربه خورده‌اند، سیلی خورده‌اند، نباید توقع داشت که در مقابل نظام جمهوری اسلامی ساکت و آرام بنشینند. یقیناً دشمن دشمنی میکند. انتظار دشمنی دشمن را باید داشت، منت‌ها باید آگاهانه، هشیارانه در مواجهه‌ی با دشمنی دشمن بهترین راه را برای حفظ منافع ملی، حفظ مصالح عموم مردم در نظر گرفت.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۷/۰۷/۱۰

یک جمله هم به برادران خودمان، برادران عزیز در سطح کشور عرض بکنیم. این توصیه‌ی به اتحاد و اتفاق که مخاطب آن همه‌ی دنیا اسلامند، در داخل کشور هم مخاطبان خودش را دارد. اتحاد و اتفاق را ملت عزیز ایران حفظ کنند. تا امروز آنچه به دست آورده‌اید، به برکت اتحاد و اتفاق به دست آورده‌اید. اتحاد و اتفاق معنایش این نیست که همه دارای یک سلیقه و یک مذاق باشند؛ اتحاد و اتفاق این است که سلیقه‌های گوناگون در کنار هم بنشینند، دست در دست هم بدهند، منافع ملی را بر احوال شخصی مقدم بدارند، خودخواهی‌ها را - که ماه رمضان، ماه سرکوب این خودخواهی‌ها بود - وارد عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و تعاملات گوناگون نکنند. این روزها روزهای است که ملت مسلمان ایران حرکت‌های بزرگی را دارد تجربه میکند؛ کارهای مهمی را انجام میدهد که در سطح جهان این کارها مورد ستایش افراد باانصاف و صاحب‌نظر قرار میگیرد.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

نزدیکی با ملت‌های مسلمان، ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی‌اند. چرا تبلیغات عجیب و غریب آمریکائی و انگلیسی سعی میکنند بین ملت‌های مسلمان با ملت ایران جدائی بیندازند؟ چرا؟ با مسئله‌ی قومیت، با مسئله‌ی سنتی، شیعه؟ چون میدانند آنها عمق راهبردی و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی محسوب میشوند. تکیه‌گاه یک ملت به عمق استراتژیک اوست. نمیخواهند ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از این حمایت و طرفداری‌ای که از او در کشورهای مختلف میشود - که البته بی‌نظیر هم هست - برخوردار باشد. شما در هیچ‌جا نمی‌بینید که در یک کشوری از روسای یک کشور دیگری، آحاد مردم - نه سیاسیون - تجلیل و احترام کنند؛ عکسشان را بلند کنند، نامشان را با هیجان بیاورند؛ جز جمهوری اسلامی. در کشورهای مسلمان هر جا بروید، آنجائی که رد پائی از جمهوری اسلامی هست، مردم نسبت به آن و نسبت به جمهوری اسلامی ابراز احساساتشان اینجوری است. دشمن این را نمیخواهد؛ دشمن نمیخواهد این ارتباط برقرار باشد. جمهوری اسلامی باید این را یکی از وظائف خودش بداند. این جزو آن شاخصهای اصلی است.

حالا شما نگاه کنید در این نوشتجات آدم‌های یا کوتاه‌نظر - که خوشبینانه‌اش این است که بگوئیم کوتاه‌نظرند - یا اگر بدبینانه نگاه کنیم، مغرض و خائن، که از ارتباط جمهوری اسلامی با مردم لبنان، با مردم عراق، با مردم افغانستان، با مردم فلسطین، صریحا و بارها انتقاد کرده‌اند و انتقاد میکنند. دیده‌اید شما، متأسفانه در مطبوعات ما و در بعضی از تریبون‌های سیاسی، که این چیزها گفته میشود. این ضدیت با یکی از شاخص‌های اساسی جمهوری اسلامی است. نه، جمهوری اسلامی منافع ملت‌های مسلمان را منافع خودش میدانند؛ با آنها مرتبط است، از آنها دفاع میکند؛ از مظلوم دفاع میکند، از ملت فلسطین دفاع میکند؛ اینها شاخص‌هاست و اینها بایستی برجسته شود. دانشجو و دانشگاهی، بخصوص دانشجو میتواند در این میدان نقش‌آفرین باشد؛ میدان حفظ شاخصها، برجسته کردن شاخصها و مختصات حقیقی جمهوری اسلامی؛ غیر از مختصات ظاهری که اسمها و مقامات رسمی و حقوقی و اینهاست. شما میتوانید سهیم باشید، میتوانید اقدام کنید. و البته و خوشبختانه، ملت ما ملت بیداری است.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه / ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

اعتدای شان، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل به‌منظور تحکیم امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی با تأکید بر:

- ۱- ۲۹. تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه.
- ۲- ۲۹. تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم.
- ۳- ۲۹. بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی.
- ۴- ۲۹. مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی.
- ۵- ۲۹. تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان.
- ۶- ۲۹. حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف بویژه ملت فلسطین.
- ۷- ۲۹. تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی.
- ۸- ۲۹. تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل.
- ۹- ۲۹. سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه / ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

تحکیم و ارتقا امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی با تأکید بر:

- ۱- ۴۴. تقویت نقش مردم و اطلاعات مردمی در پیشگیری از تحولات ضد امنیتی.
- ۲- ۴۴. تقویت و تعامل موثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی و هماهنگی بین آنها برای تأمین اشراف اطلاعاتی و مقابله با هر نوع اخلال در امنیت عمومی، اقتصادی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای نرم.
- ۳- ۴۴. ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی، ارتقا سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات، تقویت فنی برای مقابله با تخلفات در فضاهای رایانه‌ای و صیانت از حریم فردی و عمومی.
- ۴- ۴۴. تقویت زیر ساخت‌های انسجام و همبستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی.

بیانات در دیدار برگزیدگان استان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۴

نظام جمهوری اسلامی یک سخن نو را به میدان آورده؛ بر خلاف آنچه که تبلیغ میکنند و میگویند - که این تبلیغ هم باز از سوی دشمنان و مخالفین نظام جمهوری اسلامی است - جمهوری اسلامی دشمن‌تراش نیست، تشنج‌آفرین نیست، دعوا درست‌کن نیست، دنبال دردرس نیست. اگر دردرس وجود دارد، ناشی از طبیعت نظام جمهوری اسلامی است. این طبیعت عبارت است از نگاه مستقل به مسائل عالم و تحت تأثیر قدرتها قرار نگرفتن در کوچک و بزرگ مسائل. این از تعالیم اسلام است، این آموزش اسلام است، این هم دستوری است که اسلام به ما داده است. اسلام نخواست است که ملت مسلمان در جهتگیری‌اش، در حرکتش، در سیاستهایش، در تصمیم‌گیری‌هایش تابع مراکز باشد که مصالح استکباری خودشان و نگاه منفعت‌طلبانه‌ی خودشان را دارند. باید نگاه کند آنچه را که منافع ملت و امت اسلام اقتضا میکند، مسئولان حکومت موظفند آن را رعایت کنند. ما بر این اساس تحت تأثیر سیاست‌های قدرتهای مستکبر و مسلط قرار نگرفتیم. در قضایای گوناگون رای آنها چیزی بود، رای نظام جمهوری اسلامی چیز دیگری بود. این برای آنها قابل قبول نیست، بنابراین دشمنی را آغاز میکنند. نظام جمهوری اسلامی ناچار است از خودش دفاع کند. طبیعت ایستادگی، طبیعت استقلال همین است؛ اصطکاک به وجود می‌آورد. میشد ملت ایران هم حکومتی داشته باشند که این حکومت زیر بار زورگویی‌های این و آن برود. آنوقت این اصطکاکها مسلما وجود نمیداشت؛ اما آنچه که وجود نمیداشت، پیشرفت ملی دیگر وجود نداشت؛ همچنانی که در دوران طاغوت دیدیم.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

امام بزرگوار ما، آن مرد استثنائی تاریخ که حقا استثنائی بود، در مقابل همه‌ی اینها گفت: هرچه توطئه کنید، به ضرر خودتان هست و جمهوری اسلامی عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ آمریکا هم هیچ غلطی نمیتواند بکند. این استکبار است. جمهوری اسلامی هیچ رودربایستی با هیچ دولتی ندارد؛ لیکن دولتی که دستش از منابع عظیم مالی و انسانی کشور قطع شده بود و هرچه توانست توطئه کرد، دولت آمریکا بود. سی سال دولت آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کرده، ضربه زده، تدابیر گوناگون اندیشیده؛ هر کار توانسته کرده. اگر شما فکر کنید یک کاری بود که آمریکایی‌ها میتوانستند بکنند و نکردند، بدانید که چنین چیزی نیست؛ هر کار ممکن بوده، کرده‌اند. خوب، شما می‌بینید که نتیجه‌ی این رویارویی، بالندگی هرچه بیشتر ملت ایران، پیشرفت هرچه بیشتر جمهوری اسلامی، قوت روزافزون این کشور و این نظام بوده. آئی که ضرر کرده است، آنهایند. گاهی هم حرفهای به‌ظاهر آشنی‌جویانه‌ای در این مدت زدند؛ اما هر وقت که لیخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجر در پشت سرشان مخفی کرده‌اند؛ از تهدید دست برداشته‌اند؛ نیتشان عوض نشده است. خنده‌ی تاکتیکی، لیخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بچه‌ها و کودکان را فریب میدهد. یک ملت بزرگ با این تجربه، و مسئولین برگزیده‌ی یک چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید ساده‌لوح باشند؛ یا باید ساده‌لوح باشند، یا باید غرق در هوس و هوس باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عاقبت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند. والا اگر مسئولین کشور باهوش باشند، دقیق باشند، مجرب باشند، پخته باشند، دل در گرو منافع ملت با همه‌ی وجود داشته باشند، گول لیخند را نمیخورند. همین رئیس جمهور جدید آمریکا، حرفهای قشنگی زد؛ به ما هم مکررا پیغام داد؛ شفاهی، کتبی، که بیائید صفحه را عوض کنیم، بیائید وضع تازه‌ای درست کنیم، بیائید در حل مشکلات عالم با همدیگر همکاری کنیم؛ تا این حد! ما هم گفتیم پیش‌داوری نکنیم؛ ما به عمل نگاه میکنیم. گفتند، می‌خواهیم تغییر ایجاد کنیم. گفتیم خوب، ببینیم تغییر را. از روز اول فروردین که من در مشهد سخنرانی کردم - گفتم اگر دستکش مخملی روی پنجه‌ی جدنی کشیده باشید و دستتان را دراز کنید، ما دستمان را دراز نمیکنیم؛ این هشدار را من آنجا دادم - الان هشت ماه میگذرد. در طول این هشت ماه، آنچه ما دیدیم، برخلاف آن چیزی بود که اینها به زبان، به‌ظاهر ابراز میکنند. صورت قضیه این است که بیائید مذاکره کنیم؛ اما در کنار مذاکره، تهدید؛ که اگر مذاکره به این نتیجه‌ی مطلوب نرسد، پس چنین و چنان! این شد مذاکره؟! این همان رابطه‌ی گرگ و میش است که امام گفت: رابطه‌ی گرگ و میش را ما نمیخواهیم. بیائید بنشینید با ما سر میز، مذاکره کنید بر سر فلان موضوع؛ مثلا بر سر موضوع هسته‌ای، لیکن شرطش این است که این مذاکره، به فلان نتیجه‌ی معین برسد! مثلا

دست برداشتن کشور از فعالیت هسته‌ای، اگر به این نتیجه نرسد، پس چنین و چنان؛ تهدید.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

آنچه که جمهوری اسلامی می‌خواهد، بیش از حق معقول خودش نیست. جمهوری اسلامی دنبال استقلال خودش است، دنبال آزادی خودش است، دنبال منافع ملی خودش است، دنبال پیشرفت علم و فناوری در کشور است؛ اینها حقوق این ملت است. به این حقوق هر کسی تعرض نکند، ملت ایران با همه‌ی وجود در مقابل او قرار خواهد گرفت و او را به زانو در خواهد آورد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

بایستی بر مرزها تاکید بشود، اشتباه و خطای فاحش کسانی که این مرزها را در انتخابات رعایت نمیکنند، همین است که مردم را دچار زحمت میکنند، دچار حیرت میکنند. بایستی خطوط مرزی نظام با مخالفان نظام، با دشمنان نظام، کاملاً مشخص شود، بر آن تکیه شود و از مخالفان نظام اعلام برائت بشود. البته در انتخابات باید منافع نظام، منافع کشور، مصالح کشور بر مصالح حزبی و جناحی و شخصی و امثال اینها ترجیح داده شود و نظرات، نظرات شفاف و روشنی باشد؛ معلوم باشد که چه می‌خواهند. اگر چنانچه یک چنین انتخاباتی انجام بگیرد، این بلاشک به نفع نظام، به نفع پیشرفت کشور و به نفع مردم خواهد بود؛ نظام را زنده و بانشاط نگه میدارد و پیش میبرد.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۹/۰۱/۰۱

ملت بیدار است، مسئولین بیدارند. تدبیر این است که رفتار خصم را انسان زیر نظر بگیرد، ببیند چه می‌خواهند بکنند. نه در لباس گرگ، نه در لباس روباه، از چشم ملت ایران نبایستی اینها پوشیده و مخفی بمانند، ناشناخته بمانند. ملت ایران بایستی هوشیارانه تصمیم بگیرند، و ما ان‌شاءالله به توفیق الهی هوشیارانه تصمیم میگیریم. ما منافع ملت خود را در مقابل تشر و اخم دشمنان، هرگز رها نخواهیم کرد. آنچه را که در راه پیشرفت این ملت لازم است، اقدام میکنیم و مطمئنیم و میدانیم که این ملت پیروز است؛ همچنان که در این سی سال پیروز بوده است. دشمنان ما در این سی سال آنچه با ملت ایران انجام داده‌اند، شکست خوردند؛ نتوانستند به نظام جمهوری اسلامی ضربه و لطمه بزنند؛ نتوانستند مردم را از نظام جدا کنند. بعد از این هم همین خواهد بود. بعد از این هم به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، سرنوشت ملت ایران پیروزی و پیشرفت است؛ سرنوشت دشمنان ملت ایران، شکست و عقب‌ماندگی است.

بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی / ۱۳۸۹/۰۱/۰۹

دوران حرکت تقلیدی برای خودروسازی در کشورهایی که خواستند خودروساز بشوند، چهار پنج سال است. چرا باید در اینجا این قدر طول بکشند؟ این گناه آن کسانی است که به منافع کشور فکر نمی‌کردند؛ برای عزت کشور دل نمیسوزاندند؛ برای ضایع شدن و دور ریخته شدن سرمایه‌های مادی کشور اهمیتی قائل نبودند. اما در نظام جمهوری اسلامی از دهه ۷۰ شما شروع کردید؛ خب، پیشرفت هم خوب بوده. امروز این موتور ملی که از ایده و طراحی تا آخرین اجزایش را هنر ایرانی و سرانگشت ایرانی و فکر ایرانی و تلاش ایرانی ساخته، یک نماد عزت برای کشور است؛ این خیلی چیز پرمعنائی است. مسئله فقط این نیست که ما توانسته‌ایم یک موتور خودرو تولید بکنیم؛ مسئله فراتر از اینهاست. امروز دنیا میدان مسابقه‌ی وسایل انواع موتورهاست و موتور خودرو به عنوان یک وسیله‌ی متعارف زندگی و جلو چشم و مورد استفاده‌ی همه، یکی از برجسته‌ترین اقلام است. توی این دنیا پر کشمکش، شما توانستید هنر سرانگشت هنرمند ایرانی را اینجا نشان بدهید؛ این خیلی باارزش است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

غربی‌ها اشتباهات سیاسی‌ای داشتند؛ این اشتباهات سیاسی هم به جمهوری اسلامی کمک کرد. ببینید، در همین قضیه هسته‌ای، غربی‌ها اشتباه کردند. برای اینکه با قضیه هسته‌ای ایران مقابله کنند، آن را بزرگ کردند، جنجال کردند، فشار آوردند که باید جمهوری اسلامی از قضیه هسته‌ای عقب‌نشینی کند. خب، در طول این هفت سال - هفت سال است که آنها دارند تلاش میکنند - دوجیز برای مردم دنیا روشن شد؛ یکی اینکه ایران توانسته است در قضیه هسته‌ای پیشرفتهای غیر قابل انتظاری پیدا کند. دوم اینکه ایران با همه‌ی این فشارها ایستاده و عقب‌نشینی نمی‌کند. خب، این به نفع ملت ایران بود. حالا همه‌ی دنیا میدانند که آمریکا و اروپا و دستیارانشان و دنباله‌روانشان با همه‌ی فشاری که آوردند، نتوانستند بر جمهوری اسلامی فائق بیایند و او را به عقب‌نشینی وادار کنند. این به دست خود دشمنان ملت ایران شناخته شد؛ یعنی کمک شد به معرفی ملت ایران. در قضایای دیگر هم همین جور است. جنجال کردند که می‌خواهیم بنزین را تحریم کنیم تا بنزین وارد نشود. خب، ما وارد کننده‌ی بنزین بودیم و هستیم. گفتند می‌خواهیم جلوی ورود بنزین را بگیریم. جنجال و هیاهو و سروصدا کردند. تحلیل‌گران پیش‌بینی کردند، گفتند کشور شلوغ خواهد شد، مردم چه خواهند کرد. خب، این موجب شد که مسئولین کشور به فکر تولید بیشتر بنزین افتادند. امروز طبق گزارشی که من دارم - البته به توفیق الهی تا بیست و دوم بهمن - کشور به طور کامل از واردات بنزین بی‌نیاز میشود. طبق گزارشی که به من دادند، بعد از آن ما حتی میتوانیم بنزین را صادر کنیم؛ که دستورش را هم داده‌اند. خب، این جنجال آنها به نفع ملت ایران تمام شد.

بیانات در دیدار مردم استان فارس / ۱۳۹۰/۰۲/۰۲

قدرتهای مستکبر دنیا - یعنی قدرتهای غربی، قدرت آمریکا، قدرت صهیونیستها - حد یقف ندارند؛ می‌خواهند بر همه‌ی دنیا، بر همه‌ی منابع مالی عالم، بر همه‌ی نیروهای انسانی تسلط پیدا کنند. خب، تقصیر ملتها چیست؟ چرا باید ملتها تحمل کنند؟ ولی مناسفانه واقعیتها این شده، از جنس خودشان کسانی را در راس ملتها می‌گمارند تا منافع آنها را تامین کنند و هرچه میتوانند، علیه منافع مردم کار کنند و به مردم فشار بیاورند. در حدود دویست سال اخیر که مسئله‌ی استعمار به وجود آمده است، این به شکلهای مختلف در دنیا اتفاق افتاده است. ملتها دیگر در این دوران مشکلشان فقط این نیست که با یک دیکتاتور مواجه‌اند، با یک آدم مستبد مواجه‌اند؛ مشکلشان این است که این دیکتاتور عقبه‌ای از قدرتهای بین‌المللی دارد؛ آنها هستند که دارند منافع این کشور و این ملت را پایمال و نابود میکنند. مشکل دوران استعمار این است. با این دید که نگاه کنیم، همه‌ی این مسائل، درست تحلیل میشود. قضایای امروز هم همین جور است.

بیانات در پایگاه نیروی دریایی ارتش در بندرعباس / ۱۳۹۰/۰۵/۰۱

همان طوری که همه‌ی ما میدانیم، دریا برای یک کشور، یک فرصت بزرگ برای پیشرفت و حفظ منافع ملی است. فواید دریا برای یک کشور و یک ملت، فواید راهبردی است؛ فواید بزرگ و کلان است. کسانی با تسلط بر دریا و دریانوردی در طول قرونهای پی‌درپی - تقریباً در طول چهار قرن - نتوانستند قدرت بین‌المللی خودشان را تا سرزمینهای دوردست گسترش دهند. به ملتها ظلم شد، سرزمینها غصب شد، منابع ملتها تصبیع شد؛ اما آن دولتها و کشورهای مسلط بر دریا نتوانستند از این طرق ظالمانه برای خود حیثیتهای مادی و قدرتهای بزرگ فراهم بیاورند. ملتهای منطقه‌ی ما، چه در خلیج فارس، چه در دریای عمان، سالهای متمادی - شاید ده‌ها سال - عادت کرده بودند که صدای قدرتمدارانه و زورگویانه‌ی کسانی را که سوار بر ناوهای جنگی میشدند و از دور دستها به این منطقه می‌آمدند، بشنوند و در مقابل آنها سکوت کنند و دم فرو بندند.

بیانات در پایگاه نیروی دریایی ارتش در بندرعباس / ۱۳۹۰/۰۵/۰۱

آن دوران گذشت که کسانی بخواهند بپایند سرنوشت این منطقه را با حضور نظامی خودشان تامین کنند. ممکن است هنوز در بین حکام و دولتمردان این منطقه کسانی باشند که باز هم مایل باشند طول موج خودشان را تطبیق کنند با فرستنده‌های بیگانگان؛ اما ملت‌ها امروز بیدار شده‌اند. امروز ملت‌ها هشیارند. امروز ملت‌ها میدانند که حضور نظامی و مسلح بیگانگان در هر منطقه‌ای - نه فقط در منطقه‌ی ما - مایه‌ی ناامنی آن منطقه است. اینجا هم حضور بیگانگان مایه‌ی ناامنی است. امنیت خلیج فارس و دریای عمان با حضور کشورهای منطقه و همکاری آنها تامین میشود و بس. منافع دریا مال همه است؛ امکانات این دریای پربرکت متعلق به این ملت‌هاست. چگونه میشود از این برکات به نفع منافع ملی استفاده کرد و کشور را از آن بهره‌مند کرد؟ با داشتن اقتدار. این اقتدار را شما نیروهای مسلحی که با معنای جهاد و مفهوم از خودگذشتگی خو گرفته‌اید، میتوانید تامین کنید.

بیانات در پایگاه نیروی دریایی ارتش در بندرعباس / ۱۳۹۰/۰۵/۰۱

هر روز و شب شما، هر دوره‌ی کاری شما، هر مسئولیت عملیاتی یا پشتیبانی یا آموزشی شما یک حسنه است؛ یک اقدام در راه منافع ملت ایران و سربلندی جمهوری اسلامی ایران است. خدای متعال این مجاهدت را - مجاهدتی که بسیاری هم آن را نمیشناسند؛ در حقیقت مجاهدت خاموش را - به حساب می‌آورد و برای شما اجر و ثواب در دیوان الهی مقرر می‌فرماید. آنچه میتوانید، در این تلاش مقدس، صادقانه و مخلصانه و با همه‌ی توان و نیرو مجاهدت کنید و ادامه بدهید و بدانید که این کشور و این نظام و این ملت مدیون شما جوانانی است که اقتدار او را تجسم میبخشید و نشان میدید.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیآورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار. با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمیشود به اهداف عالی دست پیدا کرد. اینکه می‌بینید جامعه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال - دوپست سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز جوب آن عقب‌ماندگی را همه‌ی ما داریم میخوریم، این به خاطر غفلت‌ها بود.

بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای / ۱۳۹۰/۱۲/۰۲

در تبلیغات سعی کردند و میکنند که وانمود کنند این یک کار صرفاً ایدئولوژیک است؛ یعنی به منافع ملت و منافع کشور ارتباط ندارد؛ در حالی که کار شما یک کاری است که مستقیماً به منافع ملی ارتباط دارد. کار انرژی هسته‌ای این است؛ مستقیماً به منافع ملی ارتباط پیدا میکند. در گزارشی که الان آقای دکتر عباسی دادند، بخشی از جوانب ارتباطش به منافع ملی ذکر شده. انرژی هسته‌ای کاری است برای ملت، برای کشور، برای آینده.

مستکبران عالم و کسانی که حکمرانی دنیا را حق خودشان میدانند - که همین کشورهای مستکبرند - اسم خودشان را میگذارند جامعه‌ی جهانی؛ در حالی که جامعه‌ی جهانی اینها نیستند؛ جامعه‌ی جهانی ملت‌هاست. این چند کشور تسلطشان بر دنیا را به واسطه‌ی انحصار علم و انحصار فناوری تعریف کردند. بخشی از این صادر میکنند، حرف میزنند، رد میکنند، اظهار توقع میکنند! این چند کشور تسلطشان بر دنیا را به واسطه‌ی انحصار علم و انحصار فناوری تعریف کردند. بخشی از این هیاهویی که اینها میکنند، به خاطر این است که این انحصار شکسته نشود. اگر چنانچه ملت‌ها نتوانند در قضیه‌ی هسته‌ای، در قضیه‌ی فضا، در مسائل الکترونیک، در مسائل گوناگون صنعتی، فناوری و علمی پیش بروند، راهی برای سیادت زورگویانه و قلدرانه‌ی اینها بر دنیا باقی نخواهد ماند.

یکی از بزرگترین جنایتهایی که به بشریت شد، این بود که در انقلاب صنعتی در دنیا در این دو سه قرن، علم وسیله‌ای شد برای زورگویی. انگلیسها که جزو پیشروان انقلاب صنعتی بودند، از این امکان خودشان استفاده کردند برای راه افتادن در اطراف دنیا و به زنجیر کشیدن ملت‌ها. شما میدانید در دوران حاکمیت انگلیسها در شبه‌قاره، در این صحنه‌ی بزرگ و ثروتمند چه گذشت؟ فقط هم شبه‌قاره نبوده؛ تمام منطقه‌ی شرق آسیا سال‌های متمادی - بیش از یک قرن - زیر چکمه‌ی اینها بوده و با ابزار علم که اینها داشتند، بر مردم مسلط شدند؛ مردم به جان آمدند، چه انسانهایی نابود شدند، چه آرزوهایی نابود شد، چه ملت‌هایی عقب افتادند، چه کشورهایی خراب شدند. اینها از ابزار علم یک چنین استفاده‌ی کردند. این بزرگترین خیانت به علم است؛ همچنان که بزرگترین خیانت به بشریت است. اینها میخواهند این انحصار شکسته نشود. هر ملتی که نتواند با استقلال - نه زیر بلیط آنها و با مجوز آنها و در مشت آنها - روی پای خود بایستد، یک ضربه به این انحصار زده؛ و این کار امروز خوشبختانه در ایران راه افتاده.

باید با جدیت تمام این رشته‌ی مهم و این کار اساسی و بزرگ را پیگیری کنید، دنبال کنید. به خدا توکل کنید و خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد. استعداد هست، ظرفیت انسانی هست، ظرفیت طبیعی هست؛ خوشبختانه امروز ظرفیت سیاسی هم به طور کامل وجود دارد. گاهی ظرفیتهای طبیعی و انسانی هست، اما ظرفیتهای سیاسی وجود ندارد؛ تسلط دشمن اجازه نمیدهد که این ملت نفس بکشد و این ظرفیتهای انسانی و طبیعی به عرصه بیایند. انقلاب آمده، این ظرفیت سیاسی را هم به وجود آورده؛ میتوانید پیش بروید و باید پیش بروید.

جنجالی که راه می‌اندازند، با هدف این است که ما را متوقف کنند. میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این را فهمیده‌اند، دانسته‌اند. من شک ندارم که دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در این کشورهایی که جلوی ما ایستاده‌اند، اطلاع دارند و میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. واقعا سلاح هسته‌ای به صرفه‌ی ما نیست؛ علاوه بر اینکه از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف میدانیم و این حرکت را حرکت خلافی میدانیم. ما استفاده‌ی از این تسلیحات را گناه بزرگ میدانیم و نگهداشتنش را یک کار بیهوده‌ی پرخطر میدانیم و هرگز دنبالش هم نمیرویم. آنها هم این را میدانند، اما روی این نقطه فشار می‌آورند برای اینکه این حرکت را متوقف کنند.

ما میخواهیم به دنیا اثبات کنیم که داشتن سلاح هسته‌ای، قدرت‌آفرین نیست؛ به دلیل اینکه قدرتهایی که سلاح هسته‌ای دارند، امروز دارای سخت‌ترین مشکلاتند. آنها با تهدید هسته‌ای بر دنیا مسلط شدند، اما امروز این تهدید دیگر کاربرد ندارد. ما میخواهیم بگوئیم ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و اقتدار را در سلاح هسته‌ای نمیدانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را هم میتوانیم بشکنیم. ان‌شالله این ملت این کار را خواهد کرد.

البته من این را به شما عرض بکنم؛ شماها میدانید، این فشارهایی که اینها می‌آورند - فشار تحریم و تهدید و ترور و اینها - نشانه‌ی ضعف اینهاست؛ این نشان میدهد که هرچه آنها میکنند، ملت ما را مستحکمتر و پایدارتر میکند. ملت میفهمد که درست به خال زده، میفهمد که هدف را درست انتخاب کرده، حرکت را خوب پیش برده؛ لذا دشمن را عصبانی و خشمگین کرده.

این حرکت هم فقط حرکت هسته‌ای نیست. خوب، امروز بهانه‌ی آنها بهانه‌ی هسته‌ای است؛ تحریم میکنند، به بهانه‌ی هسته‌ای. مگر چند سال مسئله‌ی هسته‌ای در کشور ما مطرح است؟ سی سال است که تحریمها وجود دارد. آن وقتی که مسئله‌ی هسته‌ای نبود، چرا تحریم میکردند؟ مسئله، مسئله‌ی مقابله و معارضه‌ی با ملتی است که خواسته است مستقل باشد، خواسته زیر بار ظلم نرود، خواسته ظالم را افشا کند و در مقابل ظلم ظالم بایستد و این پیام را به همه‌ی دنیا بدهد؛ داده‌ایم، ان‌شالله بیشتر هم خواهیم داد. تحریم و فشار سیاسی و اینها هم اثری نخواهد کرد. وقتی که یک ملت تصمیم میگیرد بایستد، وقتی که به حمایت الهی و به قدرت درونی خود و استعداد درونی خود باور داشت و باور کرد، چیزی نمیتواند جلوی او را بگیرد.

من توصیه‌ام این است؛ همتهاتان را بالا ببرید. در مجموعه‌ی سازمانتان، در بین همه‌ی افرادی که این مهم را بر عهده گرفته‌اند، انگیزه را برای ادامه‌ی این راه افزایش بدهید. کارتان کار بزرگی است، کار مهمی است و ان‌شالله برای این کشور آینده‌ساز است. مسئله این نیست که ما خواهیم توانست از صنعت هسته‌ای برای مصارفی که به سود منافع ملی است، استفاده کنیم؛ مسئله این است که این حرکت، به جوانهای این کشور، دانشمندان این کشور، آحاد مردم این کشور، عزم و تصمیم راسخ میبخشد و آنها را در این راه ثابت‌قدم میدارد؛ این مهم است. این ایستاده نگهداشتن ملت و پراگیزه نگهداشتن آحاد ملت، منافع و استفاده‌هایش از خود این صنعت مهمتر است؛ این کار را شما دارید انجام میدید و ان‌شالله خدای متعال هم کمکتان خواهد کرد.

بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش / ۱۳۹۱/۰۲/۰۲

امروز ارتش یکی از مردمی‌ترین نهادهای کشور ماست. بین نهادهای گوناگونی که ساختار کشور و نظام را تشکیل داده‌اند، وقتی ارتش را نگاه میکنیم، می‌بینیم یکی از نزدیکترین به آحاد مردم، به تمایلات مردم، به احساسات مردم، و یکی از نزدیکترین به کمک به حرکت عمومی مردم است؛ این خیلی چیز قیمت‌دار و باارزشی است. درست است که ارتشها در دنیا با شعار حفظ منافع ملی به وجود می‌آیند و به کار گرفته میشوند، اما واقعا همین جور است؟ ارتش آمریکا در عراق، ارتش آمریکا در افغانستان، منافع ملی آمریکا را حفظ کرد؟ ملت آمریکا از اشغال افغانستان سود برد؟ از کشتار مردم افغانستان خرسند و راضی شد؟ از این که سربازان مزدور سر بیابند مردم را به گلوله ببندند، بعد جنازه‌هاشان را مثله کنند، بعد با اجزای بدن آنها عکس یادگاری بگیرند، منافع آمریکا تامین شد؟ اگر کسی از سران رژیم ایالات متحده بپرسد آقا شما این ارتش وسیع را، این تجهیزات مدرن و فوق مدرن را برای چه میخواهید، جوابشان این است: برای منافع ملی. اما آیا راست میگویند؟ همه جای دنیا تقریبا همین جور است. البته من ادعا نمیکم تحقیقا اینطور است - چون اطلاع کاملی نداریم؛ ممکن است در گوشه و کنار، این حرف مورد نقض هم داشته باشد - اما آنچه که ما دیدیم و شناختیم، غالبا در دنیا همین جور است؛ ارتشها به اسم منافع ملی تشکیل میشوند، اما در خدمت منافع ملی نیستند؛ در خدمت جاه‌طلبی‌های سیاسی‌اند. در طول تاریخ هم همین جور بوده. از اینجا بلند شوند، بیش از یک میلیون سرباز را بردارند برنند طرف یونان - اینها افتخارات تاریخی طاغوت ماست؛ خشایار شاه - برای اینکه بتوانند یونان را بگیرند؛ بعد هم شکست خورده و کشتی‌شکسته و نابودشده برگردند به کشور. اینها برای منافع ملی نبوده. در طول تاریخ، ارتشهای دنیا - تا آنجائی که ما اطلاع داریم و تاریخ به ما نشان میدهد و من و شما میتوانیم دسترسی پیدا کنیم و امروز هم در دنیا مشاهده میکنیم - غالبا همین جور بوده‌اند؛ یا در خدمت قدرت‌طلبی‌های شخصی بوده‌اند، یا در خدمت حفظ قدرتهای طاغوتی. اوائل انقلاب، در یکی از این کاخهای سلطنتی که یک بخشی از نیروی ارتش را آنجا برای پاسداری متمرکز کرده بودند، یک تابلویی آن بالا زده بودند که مضمونش این بود: ما - یعنی ارتش - اصلا برای حفظ جان این طاغوت تشکیل شده‌ایم؛ خب، این خیلی فاصله دارد با منافع ملی. اگر ما در دنیا ارتشی را پیدا کنیم که اعتقاداتش مثل اعتقادات مردم، احساساتش مثل احساسات مردم، خودش نه در خدمت اشخاص و افراد، بلکه در خدمت مردم و در خدمت منافع ملی به معنای حقیقی باشد، این ارتش خیلی ارزش دارد؛ این ارتش شما نیست. من مورد دیگری را واقعا سراغ ندارم. حالا در این کشورهایی که تازه انقلاب کرده‌اند، ببینیم چه به نمر خواهد نشست و چه کار خواهند کرد؛ ولی تا الان من واقعا چنین ارتشی سراغ ندارم؛ ارتشی که نه در خدمت قدرت‌طلبی‌های شخصی است، نه برای شخص میمیرد. این را من باید تاکید کنم؛ نه خدا راضی است، نه احکام اسلام اجازه میدهد که ما بگوئیم ارتش ما، یا نیروهای مسلح ما، یا عناصر ما، برای خاطر فلان آدم میمیرند؛ نه. بله، برای خاطر اسلام، همه میمیرند؛ فلان آدم هم برای خاطر اسلام میمیرد. برای برافراشته نگهداشتن پرچم استقلال کشور - که کشور اسلامی است - همه آماده باشند برای مردن در این راه؛ که این مردن، اسمش شهادت است. در این صورت، این ارتش میشود ارتش الهی و معنوی؛ این ارتش میشود ارتش اسلامی؛ این همان شجره طیبه‌ای است که بنده گفتم. از اول انقلاب تا امروز، هدف این بوده. و خوشبختانه ما به این هدف، هی نزدیک و نزدیکتر شده‌ایم

پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۱/۰۲/۰۷

اکنون در طلیعهی مجلس نهم، اصلی‌ترین توصیهی اینجانب به نمایندگان محترم آن است که در جایگاه خطیری که با رای مردم به دست آورده‌اند، تنها به مسئولیت الهی و ادای وظیفهی سنگین نمایندگی از ملت بیندیشند و انگیزه‌ها و حب و بغض‌های شخصی و گروهی و طائفی و محلی را در قانون‌گذاری که مهم‌ترین وظیفهی مجلس شورای اسلامی است و نیز در نظارت بر اجرای قانون و البته در موضع‌گیری‌هایی که فضای کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد، دخالت ندهند. در صدر این همه، قانون قرار دارد. قانون باید کارآمد، روزآمد، شفاف، معطوف به نیازهای عمومی و تامین‌کنندهی منافع ملی باشد. در دهه‌ی پیشرفت و عدالت، همه‌ی قوانین باید به تحقق این دو شاخص عمومی کمک کند و با نگاه بلندمدت، گستره‌ای هرچه طولانی‌تر و پهناورتر داشته باشد. اولویتهای کشور باید احصا شود و جایگاهی شایسته را در اهتمام به قانون‌گذاری بیابد.

بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

امروز ملت ایران بیدار است. چهره‌ی آمریکا نه فقط در ایران، در منطقه شناخته شده است؛ ملتها به آمریکا سو ظن دارند و این سو ظن فرائن متعددی برای آنها دارد؛ ملت ایران هم دست آمریکا را خوانده است، میفهمد که مقصود آنها چیست؛ ملت بیدار است. امروز اگر کسانی بخواهند سلطه‌ی آمریکا را مجددا در این کشور برقرار کنند، بخواهند از منافع ملی، از پیشرفت علمی، از حرکت مستقل صرف‌نظر کنند برای خاطر رضایت آمریکا، ملت گریبان اینها را خواهد گرفت؛ بنده هم اگر بخواهم بر خلاف این حرکت عمومی و خواست عمومی حرکت کنم، ملت اعتراض خواهد کرد؛ معلوم است. همه‌ی مسئولین موظفند منافع ملی را رعایت کنند؛ استقلال ملی را رعایت کنند؛ آبروی ملت ایران را حفظ کنند.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

در انتخابات، همه‌ی سلیقه‌ها و جریانهای معتقد به جمهوری اسلامی باید شرکت کنند؛ این، هم حق همه است، هم وظیفه‌ی همه است. انتخابات مال یک سلیقه‌ی خاص، مال یک جریان فکری و سیاسی خاص نیست. همه‌ی کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و به استقلال کشور معتقدند، به آینده‌ی کشور اهمیت میدهند، دلشان برای منافع ملی میسوزد، باید در انتخابات شرکت کنند. رو گرداندن از انتخابات، مناسب کسانی است که با نظام اسلامی مخالفند.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

آن چیزهایی که امروز برای دولت و برای رئیس‌جمهور نقاط قوت محسوب میشود، اینها باید در رئیس‌جمهور بعدی وجود داشته باشد، اینها را باید در خود تامین کند؛ آن چیزهایی که امروز نقاط ضعف شناخته میشود - که ممکن است شما بگوئید، من بگویم، دیگری بگوید - این نقاط ضعف را باید از خود دور کند. یعنی ما در سلسله‌ی دولتهائی که پشت سر هم می‌آیند، باید رو به پیشرفت باشیم، رو به تعالی و تکامل باشیم، تدریجا بهترینهای خودمان را بفرستیم؛ هر کسی می‌آید، پایبند به انقلاب، پایبند به ارزشها، پایبند به منافع ملی، پایبند به نظام اسلامی، پایبند به عقل جمعی، پایبند به تدبیر باشد. اینجوری باید این کشور را اداره کرد.

ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش / ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ...
 ۵- اهتمام به تربیت و پرورش مبتنی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی بویژه در: ...
 ۲- ارتقا تربیت عقلانی و رشد بینش دینی، سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان و اهتمام به جامعه‌پذیری برای تحکیم وحدت و همبستگی ملی، وطن‌دوستی و مقابله‌ی هوشمندانه با تهاجم فرهنگی و پاسداری از استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و منافع ملی.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۲/۱۲

آن کسانی که امروز با مردم حرف میزنند، آنچه که توانائی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند؛ قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد؛ اگر برنامه‌ای در هر موردی از مسائل دارند، آن برنامه را برای مردم ارائه کنند؛ قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت؛ قول بدهند که از همه‌ی ظرفیتهای قانون اساسی برای اجرای وظیفه‌ی بزرگ خودشان استفاده خواهند کرد؛ قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت؛ قول

بدهند که به مسئله اقتصاد - که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است - بخوبی خواهند پرداخت؛ قول بدهند حاشیه‌سازی نمیکنند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛ قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد. بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح میدهند؛ این اشتباه است. عصبانیت آنها ناشی از این است که شما هستید، ناشی از این است که جمهوری اسلامی هست، ناشی از این است که امام در اذهان مردم و در برنامه‌های این کشور زنده است، ناشی از این است که روز ۱۴ خرداد - روز رحلت امام - مردم در سرتاسر کشور به جوش و خروش می‌آیند؛ عصبانیت آنها مربوط به این چیزها است. عصبانیت دشمن را باید با اقتدار ملی علاج و جبران کرد. اگر ملت مقتدر باشد، توانا باشد، نیاز خود را کم کند، مشکلات خود را برطرف کند، و امروز که مسئله اقتصاد مسئله اصلی است، بتواند اقتصاد خود را روبه‌راه کند، دشمن در مقابله با ملت ایران بی‌دفاع خواهد ماند.

پیام به مناسبت حضور حماسی مردم در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم / ۱۳۹۲/۰۲/۲۵

ایرانی مومن و غیور در انتخابات دیروز، ظرفیت عظیم خود را در مواجهه متین و خردمندانه با جنگ روانی بازیگران سلطه و استکبار، با زیبایی و چیره‌دستی هرچه تمام‌تر به تصویر کشید و کشور خود و منافع ملی خود و آینده پرتلاش و امیدوارانه خود را بیمه کرد.

بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضائیه / ۱۳۹۲/۰۲/۰۵

ما به مردم عزیزمان عرض کردیم که خب مردم نظامشان را دوست میدارند، می‌آیند رای میدهند؛ اما اگر احیاناً کسی هم هست که با نظام اسلامی خیلی دل صافی ندارد، اما برای کشور خودش و منافع کشور اهمیت قائل است، او هم نباید. لابد بعضی‌ها از این مجموعه بودند و آمدند. این نشان‌دهنده چیست؟ نشان‌دهنده این است که حتی کسانی که طرفدار نظام هم نیستند، به نظام اعتماد دارند؛ آنها هم میدانند که نظام جمهوری اسلامی منافع کشور را و عزت ملی را میتواند حفظ کند و از آن دفاع کند. مشکل دولتها در کشورهای مختلف این است که در مقابل هجمه‌های جهانی، در مقابل طمع‌ورزان بین‌المللی، قادر نیستند از ملتشان، از منافعشان، از عزتشان دفاع کنند. جمهوری اسلامی، استوار و مستحکم مثل شیر در مقابل دشمنان ایستاده، از منافع ملت دفاع میکند؛ این را حتی آن کسانی هم که احیاناً آمدند رای دادند، اما به نظام اعتقادی هم نداشتند، با این کار خودشان تصدیق کردند؛ نشان دادند که اعتماد به نظام جمهوری اسلامی، عمومی است.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۲/۰۵/۱۲

ملت ما تا قبل از انقلاب اسلامی مزه‌ی حاکمیت مردم را نچشیده بود. از اعلام مشروطیت در ایران تا سالی که انقلاب پیروز شد، هفتادوپنج سال طول کشید؛ از این هفتادوپنج سال، پنجاهوپنج سال دیکتاتوری خاندان پهلوی بود؛ دیکتاتوری خشن و وابسته به قدرتهای جهانی؛ یعنی اول به انگلیس، بعد به آمریکا. بدون ملاحظه‌ی خواست مردم، در این پنجاهوپنج سال، زمام امور کشور در دست انسانهایی قرار گرفت که نه به سرنوشت این ملت، نه به منافع این ملت، نه به عظمت و شکوه و عزت این کشور اعتنائی نداشتند و به منافع شخصی خود و منافع قدرتهایی که از آنها حمایت میکردند، دلبسته بودند. بیست سال قبل از آن هم کشور دچار هرج و مرج بود. یعنی از آغاز دوران مشروطیت تا انقلاب اسلامی، بجز یک فرصت حدود دو ساله‌ای در این میان، که یک دولت ملی ضعیفی تشکیل شده بود - که این هم با توطئه‌ی مشترک انگلیس و آمریکا از بین رفت - بقیه‌ی این مدت، تمام به استبداد و دیکتاتوری گذشت. مزه‌ی مردم‌سالاری را مردم در جمهوری اسلامی چشیدند.

بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۲/۰۷/۱۲

ما تهدیدهای مکرر و مشمئزکننده‌ی دشمنان ملت ایران را میشنویم؛ پاسخ ما به هرگونه شرارتی علیه ملت ایران، پاسخی جدی و سخت خواهد بود؛ این را همه‌ی کسانی که عادت کرده‌اند ملت ایران را با زبان، تهدید کنند، باید مطلع باشند و بدانند. ملت ایران ملتی است که سرسختی خود را در راه دفاع از آرمانهای خود و از منافع خود آنچنان نشان داده است که میل و رغبت خود [را] به سلامت و صلح و همزیستی با برادران مسلمان و همه‌ی آحاد بشر؛ این دو با یکدیگر موازی هستند.

بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۲/۰۷/۱۲

به دولت آمریکا اعتمادی نداریم، به مسئولین خودمان اعتماد داریم، خوشبین هستیم، از آنها میخواهیم که با دقت، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب گامها را درست بردارند، محکم بردارند، منافع ملی را یک لحظه به فراموشی نسپرند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۲/۱۰/۲۹

دنیای استکبار ۶۵ سال است که با همه‌ی وجود و توان سعی در این دارد که واقعیت وجود رژیم صهیونیستی را بر ملتهای مسلمان تحمیل کند و آنها را وادار به پذیرش این واقعیت کند، و نتوانسته است. نگاه نکنیم به بعضی از کشورها و دولتها که حاضرند برای حفظ منافع دوستان بیگانه‌ی خود که دشمن اسلامند، منافع ملی را زیر پا بگذارند یا منافع اسلامی را به فراموشی بسپرنند؛ ملتها مخالف حضور صهیونیست‌ها هستند.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

[مستکبران عالم] این‌جور تبلیغ میکنند که استقلال سیاسی کشورها یا استقلال فرهنگی و اقتصادی کشورها با پیشرفت کشورها منافات دارد. میشنوید این حرفها را، آن کسانی که با تبلیغات جهانی آشنایی دارند، میشنوند؛ در دنیا به‌عنوان اتاقهای فکر، به‌عنوان حرفهای فیلسوفانه، این مطالب را پخش میکنند، کسانی هم در داخل کشورها - از جمله داخل کشور ما - همین حرفها را از طرف آنها منتشر میکنند، که یک کشوری اگر بخواهد در مجموعه‌ی کشورهای پیشرفته‌ی دنیا قرار بگیرد، چاره‌ای ندارد جز اینکه از میل استقلال‌خواهی فرو بکاهد، میل به استقلال را در خود کم کند؛ والا با هم نمیسازد که یک کشوری بخواهد مستقل باشد، بخواهد صرفاً بر روی منافع خود تکیه بکند، و در عین حال جزو منظومه‌ی پیشرفت جهانی هم قرار بگیرد. خب، این حرف حرف کاملاً غلط و ساخته‌وپرداخته‌ی کسانی است که با استقلال کشورها مخالفند. امید و هدف قدرتمندان مداخله‌گر این است که در داخل کشورها، بتوانند با دخالت در امور کشورها منافع خودشان را تامین کنند؛ اگر منافع آن ملتها از بین رفت و پایمال هم شد، اهمیتی برایشان ندارد؛ اصرارشان بر این است [که] دخالت کنند؛ کما اینکه در رژیم طاغوت [هم] همین بود؛ با چه کسی رابطه داشته باشید، با چه کسی رابطه نداشته باشید، نفت را به چه کسی بفروشید، چقدر بفروشید، چه جوری مصرف کنید، چه کسی در فلان مسئولیت حساس سر کار بیاید، چه کسی نیاید؛ در این چیزها دخالتهای صریح میکردند؛ این کشور میشود یک دستگاهی، یک وسیله‌ای برای منافع آنها و منافع ملی بکلی فراموش میشود؛ هدف مدیران و اداره‌کنندگان کشور دیگر منافع ملی نیست، تامین منافع مداخله‌گران است. استقلال، این روند غلط و خائنانه را قطع میکند؛ جلوی این را میگیرد. معنای استقلال برای یک کشور این است. استقلال به معنای قهر کردن یا کشورها نیست، به معنای ایجاد کردن سدی در مقابل نفوذ کشورها است که نتوانند منافع آن کشور را، منافع [آن] ملت را تحت‌الشعاع منافع خودشان قرار بدهند؛ این معنی استقلال است و این مهم‌ترین هدف برای یک کشور است.

دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۰۵/۲۳

در دیپلماسی ایرانی، علاوه بر تلاش برای تامین منافع ملی، «حفظ سرمایه ملی»، بسیار مهم است، چرا که اگر سرمایه ملی از دست برود دستگاه دیپلماسی بدون پشتوانه می‌شود و منافع ملی نیز قابل تامین نخواهد بود. استقلال برآمده از انقلاب اسلامی، دین، ملت مومن، جوانان انقلابی، سخن قاطع در مقابل زیاده‌خواهان، دانشمندان، نخبگان و فعالیت‌های علمی از جمله عناصر سرمایه ملی هستند که باید در عرصه دیپلماسی حفظ شوند تا منافع ملی هم تامین شود.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

امروز آن چیزی که لازم است برای ملت ما، اولاً اتحاد و اتفاق ملی است. دودسته کردن مردم، جدا کردن مردم، شعارهای تفرقه‌انگیز دادن میان مردم - به هر عنوانی - خطا است؛ این بر ضد منافع ملت ایران و بر ضد آرمانهای ملت ایران است. اتحاد و اتفاق. مردم مسئولین را کمک کنند، دولت را کمک کنند.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

بنده با توافقی که بتواند انجام بگیرد موافقم؛ البته توافق بد نه. آمریکایی‌ها مکرر تکرار میکنند و میگویند «ما معتقدیم که توافق نکردن، بهتر از توافق بد کردن است»؛ بله، ما هم همین عقیده را داریم؛ ما هم معتقدیم که توافق نکردن، بهتر است از توافق بد، توافقی که به ضرر منافع ملی است، توافقی که موجب تحقیر ملت بزرگ و با عظمت ایران است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

ما با پیشرفت این کاری که مسئولین دولتی ما شروع کرده‌اند و تلاش هم دارند میکنند - واقعاً دارند تلاش میکنند و وقت میگذارند و نیرو صرف میکنند - موافقم؛ به یک توافقی خوب هم اگر برسد موافقم. بنده هم موافقم، مطمئنم که ملت ایران هم آن توافقی را که در آن عزت او محفوظ بماند، احترامش محفوظ بماند، منافعش حفظ بشود، مخالفتی ندارد، موافقت خواهد کرد؛ منتها باید این خصوصیات، بلاشک ملاحظه بشود؛ باید تکریم و حرمت ملت ایران و مسئله‌های اساسی مهمی که عبارت است از پیشرفت ملت ایران، محفوظ بشود و محفوظ بماند. ملت ایران عادت نکرده است که به زورگویی دشمنان گوش فرا بدهد و تسلیم زورگویی و باج‌خواهی بشود؛ آن طرف هر که باشد، آمریکا باشد [یا دیگران]، یک‌روزی آمریکا و شوروی سابق، در مقابل جمهوری اسلامی دست به دست هم داده بودند و با همه اختلافاتی که داشتند، زور میگفتند؛ جمهوری اسلامی زیر بار زور آنها نرفت، جمهوری اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی موفق شد؛ امروز هم همین‌جور خواهد بود. امروز هم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، زیر بار زور نخواهد رفت.

بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام / ۱۳۹۳/۰۱/۳۰

با وجود اینکه من خوش‌بین نبودم به مذاکره با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره‌کنندگان هم با همه‌ی وجود حمایت کردم، الان هم حمایت میکنم. از رسیدن به یک توافقی که منافع ملت ایران را تامین کند و عزت ملت ایران را حفظ کند، صد درصد من حمایت میکنم و استقبال میکنم؛ این را همه بدانند. اگر کسی بگوید که ما مثلاً با توافق یا با رسیدن به یک نقطه مخالفیم، نه، خلاف حق و خلاف واقع گفته است. اگر یک توافقی انجام بگیرد که این توافقی توافقی باشد که منافع ملت را، منافع کشور را تامین بکند، بنده کاملاً با آن موافقت خواهم کرد. البته این را هم ما گفتیم که توافق نکردن بهتر از توافق بد است - که این حرف را آمریکایی‌ها هم میزنند - این فرمول، فرمول درستی است؛ توافق نکردن از توافق کردنی که در آن، منافع ملت پامال بشود، عزت ملت از بین برود، ملت ایران با این عظمت، تحقیر بشود [بهتر است]، توافق نکردن شرف دارد بر یک چنین توافقی کردنی.

بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام / ۱۳۹۳/۰۱/۳۰

الان فرصت خوبی است برای همدلی؛ یک عده‌ای مخالفند، یک عده‌ای اعتراض دارند؛ خیلی خب، مسئولین ما که مردمان صادقی هستند، مردمان علاقه‌مند به منافع ملی‌اند، بسیار خب، یک جمعی از مخالفین را - از آن افرادی را که شاخصند - دعوت کنید، حرفهای آنها را بشنوند؛ ای بسا در حرفهای آنها یک نکته‌ای باشد که این نکته را اگر رعایت کنند، کارشان بهتر پیش برود؛ اگر چنانچه نکته‌ای هم نبود، آنها را قانع کنند؛ این میشود همدلی؛ این میشود یکسان‌سازی دلها و احساسها، و به تبع آن عملها، به نظر من بنشینند، بشنوند، بحث کنند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرا کشورهای اسلامی / ۱۳۹۳/۰۲/۲۷

دنیاک اسلام یک نسخه امروز دارد و آن اتحاد است. در درون کشورها هم همین نسخه وجود دارد؛ ملتها باید متحد باشند. ملت ایران باید متحد باشد. از این فضایی هسته‌ای و غیر هسته‌ای و مانند اینها، دودستگی درست نشود که هر دسته یک‌جور بگویند - بالاخره یک کاری است دارد انجام میگیرد، مسئولینی دارد، دنبال میکنند؛ ان‌شاءالله آنچه منافع ملی است تشخیص بدهند و دنبال آن باشند - بین مردم نباید دودستگی به‌وجود بیاید. دشمن این را میخواهد. الان هم اگر کسی تعقیب کند این سخن‌پراکنی‌های بیگانگان را، این رادیو تلویزیونها و این وبگاه‌هایی که از طرف آنها دارد همین‌طور مرتب توسعه پیدا میکند و مرتب هم دارند مطلب میدهند، دنبال این هستند که بین مردم دودستگی ایجاد کنند؛ نگذارید دودستگی بشود؛ وحدت را حفظ کنید، با هم باشید.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان / ۱۳۹۳/۰۷/۱۵

یک عده‌ای در قضیه مذاکره و مسئله مذاکره سهل‌انگاری میکنند، سهل‌اندیشی میکنند، مطلب را درست نمیفهمند. حالا بعضی‌ها بی‌خیالند - بی‌خیالان جامعه، که هرچه پیش بیاید برایشان اهمیتی ندارد، مصالح کشور از بین برود، منافع ملی نابود بشود - که حالا با آنها کاری نداریم اما بعضی بی‌خیال هم نیستند لکن سهل‌اندیشند، عمق مسائل را نمیفهمند.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان / ۱۳۹۳/۰۷/۱۵

در همین مذاکرات مربوط به مسائل انرژی هسته‌ای، هر جا فرصت پیدا کردند و میدان به آنها داده شد - که البته طرفهای ایرانی بحمدالله حواسشان جمع بود اما یک جاهایی بالاخره آنها فرصتهایی پیدا کردند - یک نفوذی کردند، یک حرکت مضر برای منافع ملی انجام دادند؛ آنچه ممنوع است این است. مذاکره با آمریکا ممنوع است به‌خاطر ضررهای بی‌شماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد؛ این فرق میکند با مذاکره با فلان دولتی که نه چنین امکاناتی دارد، نه چنان انگیزه‌ای دارد؛ اینها با همدیگر متفاوت است، این را نمیفهمند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» / ۱۳۹۳/۰۷/۲۳

بنده گزارشهایی دارم، خبرهایی دارم؛ بررسی میکنم، جستجو میکنم، نخبه‌ها را پیدا میکنم؛ نه برای اینکه در داخل تشویق بشوند، تربیت بشوند؛ [بلکه] برای

عوامل بیرونی، که به آنها معرفی کنند، حلقه‌ی واسطی بشوند برای مهاجرت نخبگان و به تعبیر رایج «فرار مغزها». این هم خیانت است؛ این خیانت است؛ این ولو ممکن است در پوشش دلسوزی برای این دانشجو انجام بگیرد اما این دلسوزی نیست. اینکه ما دانشجو را تشویق کنیم و بگوییم «آقا! اینجا چیست؟ چه کسی به تو میرسد؟ چه کسی به تو اعتنا میکند؟ بگذار برو آنجا، زندگی کن، پیش برو، پیشرفت کن» این خیانت است، این پشت‌کردن به کشور و منافع کشور و آینده‌ی کشور است و وادار کردن یک جوان نخبه به این کار است.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات / ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

مسئله‌ی دوم که سلامت انتخابات و سلامت این رقابت را تامین و تضمین میکند، این است که مردم با بصیرت، با فکر وارد بشوند و انسانهای صالح را انتخاب بکنند. آدم‌هایی را انتخاب بکنند که وقتی رفت در آن مسند نشست -حالا آن مسند هرچه باشد؛ چه مسند عضویت در مجلس خبرگان باشد یا در مجلس شورای اسلامی باشد یا ریاست جمهوری باشد- خودش را سیر بلاک مشکلات کشور قرار بدهد، فانی در خدمات و مصالح و منافع عمومی مردم باشد، کشور را به دشمن نفروشد، مصالح کشور را برای رودربایستی با این و آن زیر پا نگذارد؛ باید این را انتخاب کنند. این میشود یک انتخابات خوب.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

در اینجا سنگرهایی به‌وجود آورده بودند که اول رژیم انگلیس، بعد رژیم آمریکا در سالهای بعد یا دهه‌های بعد، از این سنگرها استفاده میکردند برای دوام سلطه‌ی خودشان بر این کشور. انقلاب آمد و به دست جوانهای خودش این سنگرها را تخریب کرد، منهدم کرد و به جای آن، سنگرهایی برای حفاظت از انقلاب و برای حفاظت از جمهوری اسلامی و منافع ملی به‌وجود آورد. اینها میخواهند بیایند آن سنگرهای تخریب‌شده‌ی قبلی را دوباره ترمیم کنند و این سنگرهایی را که به دست انقلاب و انقلابیون و جوانها به‌وجود آمده است از بین ببرند؛ هدف این است.

بیانات در دیدار نوروزی جمعی از مسئولان کشور / ۱۳۹۵/۰۱/۱۸

بنده از هر اقدامی که چه دولت، چه مجلس شورای اسلامی در جهت منافع مردم و گشایش امور مردم انجام بدهند، جدا دفاع میکنم و از آن حمایت میکنم. مهم این است که انسان احساس کند کاری دارد انجام میگیرد که برای منافع ملی مفید و لازم است؛ اگر بنده در مورد هر موضوعی -چه آنچه مربوط به قوه‌ی مجریه است، چه آنچه مربوط به قوه‌ی مقننه است، همچنین قوه‌ی قضائیه- احساس کنم کاری دارد انجام میگیرد که در خدمت مردم و برای مردم است، جدا دفاع خواهم کرد؛ از همه‌ی نیرو و توانی که در این بنده‌ی ناچیز وجود دارد استفاده خواهم کرد برای حمایت از این کاری که به نفع مردم و برای رفع مشکلات مردم است.

ابلاغ سیاست‌های کلی «انتخابات» / ۱۳۹۵/۰۷/۲۲

پیشگیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و هرگونه اقدام مغایر قانون، منافع ملی، وحدت ملی و امنیت ملی و رسیدگی سریع و خارج از نوبت حسب مورد به آنها به‌ویژه جرایم امنیتی، مالی و تبلیغاتی و اقدامات تخریبی ضد داوطلبان.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان / ۱۳۹۶/۰۲/۱۷

برادران و خواهران عزیز و همه‌ی ملت ایران که خواهید شنید! بدانید که انتخابات حیاتی است؛ نه این انتخابات بالخصوص، [بلکه] همه‌ی انتخابات‌های کشور، بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که از همه مهم‌تر است، در همه‌ی دوره‌ها، واقعا برای کشور حیاتی است؛ هم به لحاظ نفس انتخابات مهم است -که این یک مقوله‌ی مهمی است؛ خب جمهوری اسلامی است؛ جمهوری، ما جمهوری هستیم؛ مناصب ما و مقامات ما برآمده‌ی از جمهور ملت است، از مردم است؛ این را بایستی ما با کمال دقت حفظ کنیم، این خیلی بالارزش است؛ اگر این [انتخابات] در نظام جمهوری اسلامی وجود نمیداشت، امروز از نظامی که با آن انقلاب به وجود آمد، خبری باقی نبود، این خیلی مهم است؛ از دل اسلام این معنا درمی‌آید و استفاده میشود؛ این‌جور نیست که ما جمهوری را گرفته باشیم و منضم به اسلام کرده باشیم؛ نه، خود اسلام به ما این‌جور یاد میدهد؛ حالا این یک مقوله‌ی است -لکن علاوه بر این، آنچه برای اداره‌ی کشور و حفظ کشور و منافع ملت به صورت فوری، فوری لازم است، حضور مردم است؛ حضور مردم است؛ حضور مردم است که گره‌گشا است، حضور مردم است که دشمنان را از هیبت جمهوری اسلامی میترساند؛ این واقعیتی است، این را بدانید.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۹۶/۰۲/۲۷

یک عرض هم بکنم به طرفدارهای نامزدهای انتخاباتی؛ خب هرکسی از این آقایان محترم نامزدهای انتخابات، یک عده طرفدار و علاقه‌مند و سینه‌چاک و دوست‌دار و مانند اینها دارد، اینها هم منانت خودشان را حفظ کنند؛ هم طرفدارها، هم ستادها، منانت خودشان را حفظ کنند، انضباط خودشان را حفظ کنند؛ مقصودشان انجام وظیفه باشد، آنچه برای ما مهم است این است. این چند صباح زندگی، این چند صباح کار و تلاش -زید یا عمرو یا یکر- اینها خواهد گذشت، آنچه میماند، عمل ما است که در محاسبه‌ی الهی به حساب می‌آید و باید جواب بدهیم. و استعملنی بما تسالنی غدا عنه؛ خدای متعال فردا از ما، از چیزهایی سوال خواهد کرد؛ به فکر آن باید بود، برای آن باید تلاش کرد. هم آحاد مردم، هم خود نامزدهایی که در عرصه‌ی رقابتهای انتخاباتی وارد شدند، هم طرفدارانشان و دوستانشان، کاری کنند که هر حرکتشان حسنه‌ی باشد در نزد کرام‌الکاتبین الهی؛ کاری کنند که اعمال آنها، رفتار آنها، گفتار آنها پیش خدای متعال حسنه محسوب بشود و خدای متعال ثواب برای آن معین بکند. این کی خواهد شد؟ آنوقتی که ما کارهایمان را برای خدا انجام بدهیم. [همه] تلاش کنند، مبارزه کنند، کار کنند، خوب است، اما نیتها را نیتهای خدایی بکنند؛ اگر این [طور] شد، آنوقت خدای متعال هم به کار برکت خواهد داد، به ملت ایران برکت خواهد داد و آنچه به نفع ملت ایران است، به توفیق الهی پیش خواهد آمد. به‌هرحال همه موظفیم که به قانون و انضباط قانونی پایبند باشیم و آن را عمل بکنیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۶/۰۲/۲۲

اگر بخواهید ظرفیتهای کشور را که بسیاری از این ظرفیتهای هم هنوز ناشناخته‌اند به فعلیت برسانید و از آنها بهره‌برداری بکنید، اگر بخواهیم راه را از بیراهه تشخیص بدهیم -چون انسان، مسئولین کشور، دولتها و بخشهای مختلف، در مقابل خودشان گاهی راه‌هایی را مشاهده میکنند که بعضی از این راهها بیراهه است؛ ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند- و این کارهای بزرگ را انجام بدهیم، احتیاج داریم که اولاً ملاکهای تصمیم‌گیری‌مان را مشخص کنیم و آنها را درست انتخاب کنیم، ثانياً از تجربه‌هایمان استفاده کنیم؛ این عرض امروز من است. باید بتوانیم ملاکهای تصمیم‌گیری را درست انتخاب بکنیم؛ غالباً در اینجا لغزشهایی وجود دارد؛ در طول زمان، در طول دورانهای مختلف، نه امروز؛ حالا عرض خواهم کرد.

خب، ملاک تصمیم‌گیری چیست؟ طبعاً آن حرف کلی که در اینجا وجود دارد، منافع ملی است؛ یعنی ملاک تصمیم‌گیری برای دولتها، تامین منافع ملی است؛ حالا چه منافع کوتاه‌مدت، چه منافع بلندمدت. مسئله اینجا است که منافع ملی را چه‌جوری تعریف کنیم، چه‌جوری شناسایی کنیم؛ چه چیزی را واقعا منافع ملی بدانیم و چه چیزی را نه. آن نکته‌ی اساسی که مورد نظر بنده است و میخواهم عرض بکنم، این است که منافع ملی آنوقتی منافع ملی هستند که با هویت ملی ملت ایران، با هویت انقلابی ملت ایران در تعارض نباشند. آنوقتی منافع واقعا منافع ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند، والا آنجایی که ما چیزی را به‌عنوان منافع ملی در نظر میگیریم لکن هویت ملی را پایمال میکنیم، قطعاً اشتباه کرده‌ایم، این منافع ملی نیست؛ این چیزی است که از دوران مشروطه تا قبل از انقلاب، متاسفانه سرنوشت همیشگی کشور ما بوده؛ هویت ملی را زیر پا لگدمال کردند. البته از قبل از دوران پهلوی، از اواخر دوران قاجار، این حالت پیش آمده.

هویت ملی همیشه پامال چیزهایی شده است که به‌عنوان منافع ملت ایران به نظر مدیران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان میرسیده و اجرا می‌کردند؛ این یعنی معکوس کردن نسبت. منافع ملی بایستی با هویت ملی تطبیق داده بشود، نه اینکه هویت ملی تابع منافع ملی قرار بگیرد، که فورا منافع تخلیلی است. اینکه یک نفری بیاید بگوید که «ما از فرق سر تا ناخن پا باید فرنگی بشویم تا اینکه بتوانیم پیشرفت کنیم، ترقی کنیم»، این همان پامال کردن هویت ملی است. یعنی به یک ملتی با سابقه‌ی تاریخی، با فرهنگ غنی و قوی، با این‌همه اعتقادات، با این‌همه سرمایه‌های گوناگون معنوی میگویند «شما بیاید همه چیزتان را رها کنید، بریزید دور، از فرق سر تا ناخن پا بشوید غربی، تا آن‌وقت بتوانید پیشرفت کنید». یعنی یک منفعی را تصویر میکنند و ترسیم میکنند برای ملت که لازم‌اش جدا شدن از هویت ملی است؛ این همان بی‌هویت کردن ملت و بی‌موجودیت کردن ملت است؛ که در دوران پهلوی، به حد اعلی رسید؛ البته عرض کردم، از اواخر دوران قاجار شروع شده بود. انقلاب آمد، این نگاه را عوض کرد، تغییر داد.

یکی از کارهای بزرگ انقلاب اسلامی همین است که یک هویتی برای ملت تعریف کرد و بر آن پافشاری کرد؛ منافع ملی را براساس آن استخراج کرد و استنباط کرد و ترسیم کرد و تصدیق کرد و دنبال کرد. ما در آن شکل قبلی به منافع ملی هم واقعا نمیرسیم؛ کم‌اینکه شما ملاحظه کنید کشور ما با این‌همه سرمایه، با این‌همه امکانات، به‌خاطر از دست دادن همین هویت، از دوران مشروطه تا قبل از انقلاب هیچ پیشرفت متناسب با شأنش و متناسب با آن سلیبی که در دنیا بود نداشت. در دنیای پیشرفته و فعال و زنده، حرکت به سمت جلو از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ بخش‌های مختلف زندگی جور دیگری پیش رفت؛ [اما] در کشور ما نه، توقف و رکود حاکم بود؛ اما از انقلاب به این‌طرف با تغییر این نگاه، وضعیت عوض شده. ما از بعد از انقلاب احساس میکنیم پیشرفت داریم، احساس میکنیم داریم به جلو حرکت میکنیم؛ البته عقب‌افتادگی‌ها زیاد است، اما پیشرفت محسوس است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۶/۰۲/۲۳

اولین بار در طول تاریخ ما -تاریخ چندین قرنی، تاریخ از دوران باستان به این طرف- ملت ایران بعد از انقلاب، نقش پیدا کردند، از حاشیه وارد متن شدند و تعیین میکنند. همچنانکه معلوم است، از بالاترین مسئول کشور، از رهبری، ریاست جمهوری، مسئولین گوناگون دیگر، با انتخاب ملت مسئولیت پیدا میکنند و سر کار می‌آیند و به ملت باید جواب بدهند؛ باید به ملت جواب بدهند. این یک قلم از مهم‌ترین حوادثی بود، تغییراتی بود، تحولاتی بود که انقلاب ایجاد کرد. بنابراین، بعد از انقلاب، منافع ملی تغییر پیدا کرد؛ یعنی معیارها برای منافع ملی طبعاً تغییر پیدا کرد. بعد از آنکه انقلاب شد، همین‌طور که عرض کردیم، دیکتاتوری‌ها به مردم‌سالاری تبدیل شد، وابستگی‌ها به استقلال سیاسی تبدیل شد، عقب‌ماندگی به پیشرفتهای قابل توجه تبدیل شد؛ در زیرساخت‌ها، در نیروی انسانی، در صنایع مهمی مثل نانو، زیست‌فناوری؛ صنایع بزرگی که ماها امروز جزو درجه‌های بالای آنها در دنیا و در بین دوستان و خردهای کشور هستیم؛ در علم، در آموزش عالی و غیره. خوب اینها حوادثی بوده که هویت انقلابی ما اینها را به وجود آورده.

پس نتیجه: هر آن چیزی که با این هویت در تعارض باشد، منافع ملی نیست، ولو ما تصور کنیم که این یک سودی است برای ملت یا منفعتی است برای ملت؛ نه، هرچه با اسلام ما، با انقلاب ما، با گذشته و سابقه‌ی تاریخی دیرینه‌ی ما، معارضه داشته باشد، جزو منافع ملی به حساب نمی‌آید.

البته از این حرف، برداشت اشتباه نشود؛ این معنایش این نیست که ما خودمان را از پیشرفتهای علمی دنیا یا پیشرفتهای گوناگون بشری محروم کنیم؛ نه، چون این روزها معمول شده، هر یک کلمه حرفی که از دهان مسئولین صادر میشود، در یک سطح وسیعی -از رادیوی انگلیسی گرفته تا نمایانم فلان پایگاه اینترنتی- مرتب به میل خودشان تفسیر میکنند، تاویل میکنند؛ باز تاویل نکنند این حرف را که ما گفتیم چون انقلاب کردیم، چون مسلمان هستیم، چون سابقه‌ی تاریخی داریم، بنابراین باب استفاده از پیشرفتهای بشری را به روی خودمان میندیم! نخیر، پیشرفتهای بشری مال همه است، مال کس خاصی نیست؛ همه‌ی بشریت حق دارند از این پیشرفتهای استفاده کنند. هر کسی عاقل‌تر باشد، زرنگ‌تر باشد، بلدتر باشد، بیشتر استفاده میکند؛ ما مایلیم که عاقل‌تر و بلدتر باشیم، ان‌شاءالله بیشتر هم استفاده خواهیم کرد. این حرف معنایش این است که منافع ملی ما ذیل تلقین سیاستهای خارجی نباید قرار بگیرد. ما باید خودمان منافع ملی را تعریف کنیم؛ تحمیل نباید وجود داشته باشد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۶/۰۲/۲۳

حرف اصلی ما در مورد بحث تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شد این؛ منافع ملی، ملاک صحت تصمیم‌گیری‌ها است و منفعت ملی آن چیزی است که با هویت ملت ایران هیچ‌گونه معارضه‌ای نداشته باشد و از آن برکنار هم نباشد؛ یعنی برخاسته از این هویت باشد؛ این میشود منفعت ملت ایران. این را مسئولین کشور، دولت محترم، قوه قضائیه، قوه مقننه، این کسانی که تصمیم‌های کلان را برای کشور میگیرند، باید همواره در نظر داشته باشند؛ هر چیزی که شائبه‌ی ضدیت با اسلام یا بیگانگی از اسلام، ضدیت با انقلاب یا بیگانگی از انقلاب، ضدیت با ریشه‌ی تاریخی ملت ایران یا بیگانگی از آن، یا هر چیزی از این قبیل [داشته] باشد، جزو منافع ملی نیست و مورد تصمیم نمیتواند قرار بگیرد.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۱۳۹۶/۰۲/۲۱

یکی از خصوصیات که این جوانی که شما تربیت میکنید و روی او اثر میگذارید باید دارا باشد، [این است که] معتقد و مباهی به هویت ملی خود باشد. من آن روز در جمع مسئولین که اینجا بودند، راجع به هویت ملی صحبت کردم؛ عرض کردم که منافع ملی در رابطه‌ی با هویت ملی، معنا میشود و ترجمه میشود. آن چیزی که ظاهرش منفعت است، اما باطنش با هویت ملی ناسازگار یا معارض است، در واقع منافع ملی نیست؛ زیانهای ملی است. باید با این هویت ملی، این جوان را آشنا کنید که مباهی به این هویت باشد و به استقلال که البته غالباً جوانهای امروز ما، قدر استقلال را هم نمیدانند؛ خوب جوان دانشجو از اول عمرش، در یک کشوری زندگی کرده که هیچ وابستگی سیاسی و عقیدتی‌ای به قدرتهای خارجی نداشته؛ از اول، همیشه دیده که در مقابل قدرتهای خارجی‌ای که دیگران جرئت نمیکند بگویند «بالای چشمتان ابرو است»، جمهوری اسلامی ایستاده؛ این استقلال سیاسی است؛ این را از اول دیده‌اند، [لذا] قدرش را نمیدانند؛ آن دوره‌ای را که هر چه آمریکا میگفت و قبل از او هر چه انگلیس میگفت باید در کشور تحقق پیدا میکرد، اینها درک نکرده‌اند، لذا قدر استقلال را نمیدانند؛ این باید تفهیم بشود به اینها. این یک‌جور نقش اساتید بر روی دانشجویها است.

بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم نظامی / ۱۳۹۶/۰۶/۲۶

شما ملاحظه کنید وقاحت سران نظام سلطه را! در همین قضیه مذاکرات هسته‌ای و قرارداد هسته‌ای موسوم به «برجام»، هر روز یک شرارتی از خودشان نشان میدهند، هر روز یک جلوه‌ای از شیطنت خود نشان میدهند و اثبات میکنند صحت فرمایش امام را که فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است. حقیقتاً خبیث‌ترین شیطانها، رژیم ایالات متحده آمریکا است. شما جوانهای عزیز بدانید که مسئله‌ی تحریمها یک مسئله‌ی کاملاً روشن و حل‌شده‌ی است. ملت ایران به‌خاطر نیازهای صلح‌آمیز کشور، به دنبال فعالیت هسته‌ای بوده و هست. ما تا چند سال دیگر احتیاج داریم به حداقل بیست هزار مگاوات نیروی برقی که از امکانات هسته‌ای و از نیروی هسته‌ای استفاده بشود و به دست بیاید. غیر از آن مقداری از انرژی که از دستگاه‌های غیرهسته‌ای به‌دست می‌آید، آن‌طوریکه متخصصین ما و صاحب‌نظران ما محاسبه کردند، بیست هزار مگاوات از راه امکانات اتمی بایستی به دست بیاید؛ [لذا] نظام جمهوری اسلامی دنبال اقدام علمی و عملی در این راه حرکت کرد؛ یک کار مشروع، یک کار صحیح، یک کار بی‌ضرر و بی‌خطر که هیچ ضرری، هیچ خطری برای هیچ ملتی و هیچ کشوری نداشت. رژیم ایالات متحده آمریکا که از پیشرفت علمی این ملت و همه‌ی ملتهای دیگر نگران است و مایل به پیشرفت علمی نیست و اجازه نمیدهد ملتها پیشرفت کنند -چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ عملی، چه از لحاظ اقتصادی- در مقابل این حرکت مشروع و صحیح جمهوری اسلامی، تحریمهای ظالمانه‌ای را تحمیل کرد. مسئولین کشور به این نتیجه رسیدند که مذاکره کنند و از بخشی از این حق خود صرف‌نظر کنند، برای اینکه تحریمها برداشته بشود و این کار را کردند. امروز علی‌رغم همه‌ی قرارها، همه‌ی

تعهدها، همه‌ی بحث‌های فراوانی که انجام گرفته است، برخورد رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا با این مذاکرات و با نتیجه‌ی مذاکرات، یک برخورد کاملاً ظالمانه، کاملاً فلدرمآبانه و کاملاً زورگویانه است. در مقابل این حرکت خصمانه‌ی دشمن، ملت ایران باید چه‌کار بکند؟ مسئولین باید چه‌کار کنند؟ مسئولین باید به سردمداران رژیم فاسد ایالات متحده‌ی آمریکا اثبات کنند که به مردم خودشان متکی‌اند و این مردم، یک ملت مقتدر را تشکیل داده‌اند؛ باید اثبات کنند که ملت ایران به برکت اسلام، زیر بار زور نمی‌رود، در مقابل قدرتها کرنش نمی‌کند؛ این را باید اثبات کنند، باید نشان بدهند. آمریکایی‌ها باید بدانند ملت ایران بر مواضع شرافتمندانه و قدرتمندانه‌ی خود خواهد ایستاد. در کار مسائل مهمی که به منافع ملی کشور ارتباط دارد، عقب‌نشینی در قاموس جمهوری اسلامی ایران معنی ندارد. ما حرکت‌مان را قدرتمندانه ادامه خواهیم داد. دشمن باید این را احساس کند و بداند که زورگویی و فلدرمآبی، هر جای دیگر جواب بدهد، در جمهوری اسلامی ایران جواب نخواهد داد. جمهوری اسلامی ایران، راست‌قامت و مقتدر ایستاده است و چون الهام‌بخش ملت‌های دیگر است، بیشتر آماج دشمنی اینها است. مسئولین فاسد و مفسد و دروغ‌گو و فریب‌کار ایالات متحده‌ی آمریکا خجالت نمی‌کشند، وقیحانه می‌ایستند و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران را به دروغ‌گویی متهم می‌کنند. ملت ایران صادقانه حرکت کرد، صادقانه عمل کرد، صادقانه پیشرفت کرد، راه خدا را صادقانه انتخاب کرد و این راه را صادقانه تا آخر به توفیق الهی خواهد پیمود. دروغ‌گو شما هستید؛ دروغ‌گو سردمداران نظام سلطه‌اند؛ دروغ‌گو آن کسانی هستند که برای هیچ ملتی نمی‌توانند خوشبختی و سعادت را ببینند و منافع نامشروع خود را به هر قیمتی علی‌رغم منافع ملتها مایلند تامین کنند؛ آنها هستند که فریب‌گرند و دروغ‌گو هستند. ملت ایران محکم ایستاده است، این را بدانند؛ در قضیه‌ی برجام، هر حرکت غلط نظام سلطه با عکس‌العمل جمهوری اسلامی روبه‌رو و مواجه خواهد شد. اینجا اهمیت امنیت در منطقه را احساس می‌کنید؛ این امنیتی که در منطقه نیست، در داخل کشور بحمدالله هست و این به برکت تلاش و مجاهدت شما جوانان مومن و مسئولان و مدیران نیروهای مسئول در این رابطه است. امیدواریم خداوند کمک کند.

بیانات در دانشگاه فرهنگیان / ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

حالا گفته میشود که برجام را می‌خواهیم با این سه کشور اروپایی ادامه بدهیم؛ من به این سه کشور هم اعتماد ندارم. من می‌گویم به اینها هم اعتماد نکنید؛ [اگر] می‌خواهید قرارداد بگذارید، تضمین به دست بیاورید -تضمین واقعی- تضمین عملی- والا فردا اینها هم همان کاری را خواهند کرد که آمریکا کرد، [اما] به یک شیوه‌ی دیگر. روش‌های سیاسی و دیپلماسی، روش‌های ویژه‌ای است؛ گاهی لیخند می‌زنند و در حال لیخند، خنجر را تا دسته در سینه‌ی انسان فرو می‌کنند؛ دیپلماسی این است دیگر؛ با اخلاق خوش، با تعریف و تمجید که «بله شما خیلی خوبید، شما آقایی، ما میدانیم شما قرارداد را به هم نمی‌زنید»، اگر چنانچه توانستید تضمین از آنها بگیرید به طوری که بشود اعتماد کرد، خب اشکالی ندارد، حرکتتان را ادامه بدهید؛ اگر نتوانید چنین تضمین قطعی‌ای را بگیرید -که بنده هم بسیار بعید میدانم که بتوانید تضمین بگیرید- آنوقت دیگر نمیشود این‌جوری حرکت کرد و این‌جوری ادامه داد.

مسئله بسیار حساس است. امروز مسئولین کشور در معرض یک آزمون بزرگند؛ آیا حفظ عزت و اقتدار این ملت عزیز را خواهند کرد یا نه؟ باید عزت این ملت تامین بشود، منافع ملت باید تامین بشود به معنای واقعی کلمه، که خب حالا خوشبختانه مسئولین هم بر روی حفظ منافع ملی تکیه کردند و گفتند باید منافع ما تامین بشود؛ بله، باید تامین بشود منتها برای تامین منافع، به حرف فلان رئیس و فلان نخست‌وزیر و فلان صدراعظم اعتماد نکنید؛ حرف اینها اعتباری ندارد؛ امروز یک چیزی می‌گویند، فردا یک‌جور دیگری عمل می‌کنند؛ هیچ رودربایستی هم ندارند، خجالت هم اصلاً نمی‌کشند. متأسفانه در عالم دیپلماسی چیزی که وجود ندارد اخلاق انسانی است؛ بخصوص این غربی‌ها، اروپایی‌ها که هیچ اصلاً اخلاق را در ارتباطات گوناگون دیپلماسی و امثال اینها، بو نکرده‌اند؛ فقط صرفاً بر طبق منافع خودشان فکر می‌کنند و حرکت می‌کنند و نقشه می‌کشند. با اینها باید با دقت رفتار کرد، عاقلانه باید رفتار کرد. بنابراین عزت ملت باید حفظ بشود، منافع ملت باید حفظ بشود؛ به معنای واقعی هم حفظ بشود، اعتماد هم نشود.

دیدار سفرا و مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه‌ی تبیین بایدها و نبایدهای دیپلماسی نظام اسلامی، شرط لازم برای نمایندگان دیپلماسی را برخورداری از روحیه‌ی قوی و مستحکم، امید به آینده و بهره‌مندی از احساس حقانیت برشمردند و با اشاره به موضوع مهم منافع ملی، گفتند: هدف اصلی و واقعی دیپلماسی، حفظ منافع ملی است و «تعامل» یا «تقابل»، تنها روش‌هایی برای تامین منافع ملی هستند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، منافع ملی را برگرفته از سیاست‌های اصلی و ارزش‌های نظام دانستند و تاکید کردند: دستگاه دیپلماسی باید منافع ملی را حفظ و تامین کند.

...

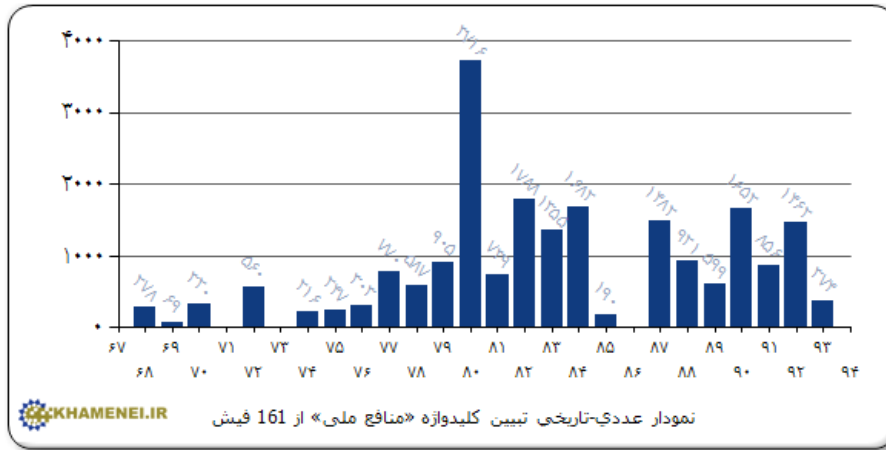
رهبر انقلاب اسلامی در ادامه به موضوع «دیپلماسی ایدئولوژیک» اشاره و خاطر نشان کردند: برخی به غلط، سخن از لزوم جدایی دیپلماسی از ایدئولوژی به میان می‌آوردند، درحالی‌که دیپلماسی ایدئولوژیک هیچ اشکالی ندارد و القای تقابل میان ایدئولوژی و منافع ملی، صحیح و منطقی نیست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اینکه هدف از تشکیل جمهوری اسلامی، حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است، افزودند: ایدئولوژی به دنبال تامین و حفظ منافع ملی است و هویت یک ملت محسوب می‌شود.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت / ۱۳۹۷/۰۶/۰۷

برجام هدف نیست، برجام وسیله است. برجام هدفی نیست که ما لازم باشد این را حتما حفظ کنیم؛ وسیله‌ای برای حفظ منافع ملی ما است. اگر چنانچه یک روزی به این نتیجه رسیدید که برجام نمیتواند منافع ملی را تامین کند، برجام را بگذارید کنار، یعنی هیچ اهمیتی ندارد؛ ببینید منافع ملی چه اقتضا میکند. از من هم گاهی سوال میشود که شما گفتی که برجام را آتش می‌زنی، چرا آتش نزدی؟ علتی که آتش نزدیک همین بود که گفتیم شاید بشود منافع ملی را با آن تامین کرد؛ والا اگر آدم بفهمد که منافع ملی تامین نمیشود، ما هم آتش زدن را بلدیم که این کار را نکنیم. بالاخره بازی نکنند با ما؛ این را باید جدی دنبال کنید.

دیدار رئیس‌جمهوری روسیه با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۶/۱۶

یک مواردی هم هست که بحث سودطلبی نیست که بگوییم برای سودطلبی، این آدم -مفسد اقتصادی- این کار را کرده، [بلکه] خرابکاری است. مثلاً فرض بفرمایید شما می‌بینید ناگهان در تهران یا در شهرهای بزرگ، پوشک بچه کمیاب میشود! این اتفاق افتاده، واقعی است، این به‌عنوان فرض نیست؛ آخر پوشک بچه؟ این مردم را عصبانی میکند دیگر! طرف مقابل -دشمن- می‌خواهد مردم عصبانی بشوند از دستگاه دولتی و دستگاه حکومت؛ این یکی از راه‌هایش است؛ پوشک! یا شب عید که مثلاً فرض کنید وقت شست‌وشو و مانند اینها است، مواد شوینده ناگهان کمیاب میشود، نیست؛ خب این کاری است که خرابکاری است. اینها را بایستی با چشم باز دنبال کرد؛ این یک مسئله مهم است.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «منافع ملی» :

آزادی اندیشه و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران / نویسنده : سید جلال دهقانی فیروزآبادی / ۱۳۹۱/۰۸/۲۴